



حوزه علمیه نجف

حوزه علمیه نجف اشرف با قدمت بیش از هزار سال، سالهای متمادی ماوا و مرکز تجمع زعمای **شیعه امامیه** بوده است. این شهر قبل از هجرت **شیخ طوسی**، سرزمینی بود که برخی از **طویان** و **شعیبان** خاص **امیر مؤمنان (علیه السلام)** را در خود جای داده بود لیکن با هجرت شیخ طوسی دانشجویان علوم اسلامی **نجف اشرف** را به مرکز شیعه و دانشگاه بزرگ شیعه امامیه تبدیل کردند و پس از آن هزاران دانشجو و متفکر شیعی در این دانشگاه پرورش یافته به نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) همت گماردند.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی شهر نجف
- ۲ - علما حوزه نجف
- ۳ - تأسیس حوزه نجف
- ۴ - ادوار تاریخی
 - ۴.۱ - دوره تکوین و تثبیت
 - ۴.۲ - دوره رکود
 - ۴.۲.۱ - عوامل رکود
 - ۴.۲.۲ - علما
 - ۴.۳ - دوره محقق اردبیلی و شاگردان
 - ۴.۳.۱ - عوامل رشد
 - ۴.۳.۲ - محقق اردبیلی
 - ۴.۳.۲.۱ - شاگردان اردبیلی
 - ۴.۴ - دوره علما
 - ۴.۵ - دوره اخباریان و افول آنان
 - ۴.۵.۱ - استرآبادی
 - ۴.۵.۲ - گسترش مکتب اخباری
 - ۴.۵.۳ - حذف اخباریون
 - ۴.۶ - دوره زعامت علمی
 - ۴.۶.۱ - نتیجه تلاش های علما
 - ۴.۶.۲ - کاشف الغطاء
 - ۵ - علمای مؤثر نقد اخباری گری
 - ۵.۱ - شیخ انصاری
 - ۵.۲ - میرزای شیرازی
 - ۵.۳ - آخوند خراسانی
 - ۶ - کتب دانش فقه
 - ۶.۱ - مفتاح الکرامه
 - ۶.۲ - مستند الشیعه
 - ۶.۳ - جواهر الکلام
 - ۶.۴ - مکاسب
 - ۶.۵ - عروة الوثقی
 - ۷ - علم رجال
 - ۸ - علوم عقلی
 - ۸.۱ - علمای مؤثر در علوم عقلی
 - ۸.۱.۱ - حسینقلی همدانی
 - ۸.۱.۲ - حسین بادکوبه ای
 - ۹ - تأثیر فلسفه بر اصول
 - ۹.۱ - جریان فلسفه غرب
 - ۱۰ - فرقه های انحرافی
 - ۱۰.۱ - کمونیسم
 - ۱۱ - کتابخانه ها
 - ۱۱.۱ - حیدریه
 - ۱۱.۲ - حسینیه شوشتری ها
 - ۱۱.۳ - آل کاشف الغطاء
 - ۱۱.۴ - کتابخانه عمومی امیر مؤمنان
 - ۱۲ - دوره های حوزه نجف
 - ۱۲.۱ - دوره اول
 - ۱۲.۲ - دوره دوم
 - ۱۲.۳ - دوره سوم
 - ۱۲.۴ - دوره چهارم
 - ۱۲.۵ - دوره پنجم
 - ۱۲.۵.۱ - علمای این دوره
 - ۱۳ - شاگردان شیخ مرتضی انصاری
 - ۱۴ - مرجعیت شیعه بعد از شیخ انصاری
 - ۱۵ - اساطین فقه
 - ۱۶ - معرفی آیت الله حکیم
 - ۱۷ - حوزه فلسفی نجف
 - ۱۸ - مدارس
 - ۱۹ - احیا و بازسازی حوزه نجف
 - ۱۹.۱ - ابزارهای لازم
 - ۲۰ - فهرست منابع
 - ۲۱ - پانویس
 - ۲۲ - منبع

نجف اشرف تا قبل از شهادت امیرالمؤمنین **علی (علیه السلام)** سرزمینی معروف نبود و شرافت آن از مولود کعبه است که پس از شهادتش در آن سرزمین آرمید و سیل عشاق را به سوی خود جلب کرد. اگر چه پیش از شیخ طوسی نیز حلقه‌های بحث و درس در جوار مرقد امیرمؤمنان (علیه السلام) برقرار و **حوزه علمیه** شکل گرفته بوده است.

علماء حوزه نجف

حوزه علمیه نجف اشرف با قدمت بیش از هزار سال، سالهای متمادی ماوا و مرکز تجمع زعمای شیعه امامیه بود که نام آنان به ترتیب از این قرار است:

۱. **شیخ الطائفة**، ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی (۳۸۵-۴۶۰)

۲. **شیخ ابوعلی** (فرزند شیخ طوسی) (زنده در سال ۵۱۵)

۳. ابونصر محمد بن ابی علی الحسن بن ابی جعفر محمد طوسی

۴. **فاضل مقداد** (متوفی ۸۲۶)

۵. شیخ الاسلام **علی بن هلال جزیری** (متوفی ۹۳۷)

۶. **محقق ثانی** علی بن عبدالعالی کرکی (متوفی ۹۴۰)

۷. احمد بن محمد اردبیلی، مشهور به **مقتس اردبیلی** (متوفی ۹۹۳)

۸. **سید مهدی بحر العلوم** (۱۱۵۵-۱۲۱۲)

۹. **شیخ جعفر کاشف الغطا** (متوفی ۱۲۲۸)

۱۰. **شیخ محمدحسن نجفی**، صاحب جواهر (۱۲۰۰-۱۲۶۶)

۱۱. **شیخ مرتضی انصاری** (۱۲۱۴-۱۲۸۱)

۱۲. آخوند ملا **محمدکاظم خراسانی** (۱۲۵۵-۱۳۲۹)

۱۳. علامه میرزا **محمدحسن نایینی** (۱۲۷۶-۱۳۵۵)

۱۴. آیت الله **شیخ الشریعه اصفهانی** (۱۲۶۶-۱۳۳۹)

۱۵. آیت الله **سید محمد کاظم طباطبایی یزدی** (۱۲۴۷-۱۳۳۸)

۱۶. آیت الله **سید ابوالحسن اصفهانی** (۱۲۷۷-۱۳۶۵)

۱۷. آیت الله **سید محسن حکیم** (۱۲۶۴-۱۳۹۰)

۱۸. آیت الله **سید ابوالقاسم خویی** (۱۳۱۷-۱۴۱۳)

نباید تصور کرد که پیش از شیخ طوسی دانشمندان شیعی در نجف اشرف نبوده‌اند، بلکه پیش از وی رجال علم در آن شهر سکونت داشته و به برخی از دانشمندان شیعی اجازه روایتی داده‌اند.

[۱] استاد جعفر سبحانی، دور الشیعه فی بناء الحضارة الاسلامیه، ص ۱۲۸-۱۲۷

[۲] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، رقم ۱۶۲.

لیکن نجف از زمانی به عنوان مرکز فقه شیعی و علوم آل‌البیت (علیهم‌السلام) درآمد که شیخ طوسی به آن شهر هجرت کرد و با دانشمندان حاضر در مکتب درس خویش، حوزه علمیه نجف اشرف را بنا نهاد.

تأسیس حوزه نجف

درباره تأسیس حوزه علمیه نجف دو نظر اساسی وجود دارد.

گروه نخست بر این باورند که پس از هجرت شیخ طوسی در ۴۴۸ از **بغداد** به **نجف**، وی حوزه علمیه را بنا نهاد (ادامه مقاله) و شماری دیگر معتقدند پیش از آمدن شیخ، در نجف حلقه‌های بحث و درس در جوار مرقد امیرمؤمنان (علیه السلام) برقرار و حوزه علمیه شکل گرفته بوده است.

[۳] **مجد بحر العلوم**، «الدراسة و تاریخها فی النجف»، ج ۱، ص ۱۱، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

[۴] **مجد رضا شمس‌الدین**، بهجة الراغبین، ج ۱، ص ۶۸۶۷، **چاپ رضا مجد حرج**، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.

این عده شواهدی را در اثبات مدعای خود ذکر می‌کنند؛ از جمله بنا به گزارش **ابن طاووس**،

[۵] **ابن طاووس**، فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳، قم: منشورات الرضی، (بی‌تا).

به هنگام دیدار **عضدالوله دیلمی** از نجف در ۳۷۱، ۱۷۰۰ فقیه در این شهر بوده‌اند.

نجاشی

[۶] **احمد بن علی نجاشی**، **فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی**، ج ۱، ص ۴۴۰، **چاپ موسی شبیری زنجانی**، قم ۱۴۰۷.

به ملاقات خود با دانشمندان شیعه، از جمله محنت بزرگ، هبه‌الله بن احمد کاتب، مشهور به **ابن بر نیته**، اشاره کرده است.

وی

[۷] **احمد بن علی نجاشی**، **فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی**، ج ۱، ص ۶۸، **چاپ موسی شبیری زنجانی**، قم ۱۴۰۷.

همچنین اظهار کرده که در سال ۴۰۰ در نجف از **ابن خمری کوفی** اجازه روایت دریافت داشته است.

نجاشی

[۸] **احمد بن علی نجاشی**، **فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی**، ج ۱، ص ۷۴، **چاپ موسی شبیری زنجانی**، قم ۱۴۰۷.

در شرح حال ابوالحسن اسحاق بن حسن عقرانی تمنا گفته که او را مجاور کوفه (یعنی نجف) دیده که کتاب **کلینی** را از خود وی روایت می‌کرده است. حضور شخصیت‌های دینی و علمی دیگر در نجف، همچون **شیخ صدوق** و شنیدن حدیث از **محمد بن علی بن فضل دهقان**،

[۹] **سید ابوالقاسم خویی**، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

و نیز اقامت برخی نقیای شیعیان همانند **ابن سدره**، و اسکان تعدادی از خاندان‌های اهل علم، مثل **آل طحان**، در نجف

[۱۰] **ابن طاووس**، فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، ج ۱، ص ۱۴۸، قم: منشورات الرضی، (بی‌تا).

[۱۱] **مجد بحر العلوم**، «الدراسة و تاریخها فی النجف»، ج ۱، ص ۱۳-۱۴، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

در زمره مستندات وجود حرکت علمی در نجف، پیش از شیخ الطائفة طوسی، ذکر شده است (برای اطلاع از نقد این آرا به این منبع رجوع کنید).

[۱۲] **مجد غروی**، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، ج ۱، ص ۱۹-۳۰، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

(

با این همه، گروه دیگر، ضمن اذعان به حضور و آمد و شد دانشمندان به نجف و تلاش علمی ایشان پیش از شیخ طوسی، معتقدند اقدام اساسی برای تشکیل جامعه علمی در نجف چندان که بتوان نام حوزه علمیه بر آن نهاد، پس از مهاجرت شیخ تحقق یافته است.

[۱۳] **مصطفی جواد**، «نظرات فی الذریعة الی تصانیف الشیعة»، ج ۱، ص ۱۳۳، البیان، سال ۱، ش ۵ (شوال ۱۳۶۵).

حوزه علمیه نجف پس از وی فراز و نشیبی را سپری کرده است که مراحل آن عبارت‌اند از:

← دوره تکوین و تثبیت

این دوره با حضور شیخ طوسی در نجف (۴۴۸-۴۶۰) مقارن است. وی که از شاگردان برجسته **شیخ مفید** (متوفی ۴۱۳) و **سید مرتضی علم‌الهدی** (متوفی ۴۳۶) بود، پس از وفات علم‌الهدی ریاست علمی شیعیان بغداد را بر عهده گرفت. اندکی پس از ورود **طغرل سلجوقی** به بغداد، در ۴۲۹ خانه و کتابخانه او را در حالی که خود وی قبلاً به نجف مهاجرت کرده بود آتش زدند. مدتی بعد، شیخ فعالیت علمی خود را در این شهر آغاز کرد و حوزه بزرگ نجف با تلاش‌های او پا گرفت. شیخ توانست مرادفات علمای شیعه و اوضاع تحصیلی در نجف را که تا آن زمان آشفته و نابسامان بود تحت نظم درآورد و حلقه‌های درسی را تشکل بخشد. عده‌ای آنکس شمار از کسانی که همراه شیخ از بغداد به نجف رفته یا شهرتش را شنیده بودند، به او پیوستند و دیری نپایید که شهر نجف مرکزیت علمی و فکری تشیع را از آن خود کرد.

کتاب **امالی** یا **المجالس** شیخ گواه انضباطی است که او در حوزه نو تأسیس نجف در انتقال علوم به شاگردانش برقرار کرده بود (نخستین مجلس املا: ۲۶ صفر ۴۵۶ در حرم امیرمؤمنان (علیه‌السلام)).

کار سترگ دیگر شیخ، سوق دادن علما و شاگردان خود به فقه استدلالی و اجتهادی بود، چه در بغداد و چه در نجف. علاوه بر پرورش و تربیت شاگردان، کتاب **اختیار معرفة الرجال** و کتاب ناتمام شرح الشرح، یادگار دوران زندگی شیخ در نجف است.

← دوره رکود

این دوره طولانی با وفات شیخ طوسی آغاز شد و تا اوایل قرن دهم ادامه یافت. عوامل متعددی در ایجاد رکود پس از شیخ دخیل بودند.

← عوامل رکود

نخست آن‌که به رغم ابتکارات شگرف شیخ طوسی در حوزه **اصول و فقه** و دفاعش از فقه تفریعی در حوزه شریعت و توفیقش در ترویج و تحکیم روش‌های استدلال و استنباط [۱۴] **محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۳، چپ مجتبی کشفی، تهران ۱۳۸۷.**

آرا و نظریات وی تا مدت‌ها به دلیل عظمت شخصیت او در مجامع علمی شیعه بدون معارض و نقدناپذیر رواج یافت و پیروانش بیش از یک قرن در صدد خردمگیری و نقد و بررسی نظریاتش برنیامدند.

به تعبیر **شهید ثانی** [۱۵] **زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الرعاية فی علم الدراية، ج ۱، ص ۹۳، چپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.**

و **صاحب معالم، ابن شهید ثانی،**

[۱۶] **ابن شهید ثانی، معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین، ج ۱، ص ۱۷۶، قسمت اصول فقه معروف به معالم‌الاصول، چپ مهدی محقق، تهران ۱۳۶۲ ش.**

همه فقها تنها ناقل گفته‌های او بودند.

عامل دیگر این ایستایی، جوانی حوزه نجف بود که نمی‌توانست همپای مراکز علمی هم‌چون بغداد، در برخورد با آرای گوناگون، پویایی داشته باشد، مخصوصاً آن‌که هنگام مهاجرت شیخ از بغداد به نجف، تنها تعدادی کم‌شمار او را همراهی کرده بودند.

[۱۷] **محمدباقر صدر، المعالم الجديدة للاصول، ج ۱، ص ۶۳، نجف (۱۳۸۵)، چپ افست تهران ۱۳۹۵/۱۹۷۵.**

از میان رفتن قدرت **آلبویه** که پیوسته مراکز و شخصیت‌های علمی شیعه را تحت حمایت خود داشتند، عامل اثرگذار دیگری بر رکود بود و مخصوصاً از همان آغاز تصرف **عراق** به دست سلاجقه، شیعه تحت فشارهای روزافزون قرار گرفت.

ظهور **محمد بن ادریس حلی** (متوفی ۵۹۸) در **حله** رونق حوزه علمیه این شهر را به همراه داشت ولی همین مسئله به رکود حوزه علمیه نجف شتاب بیشتری بخشید.

وی توانست به روحیه پیروی بی‌چون و چرای مشایخ امامیه که در برابر آرا و فتاوی شیخ طوسی تسلیم و منقاد بودند، پایان دهد و با نقادی آرا و برخی روش‌های شیخ، روح تحقیق و نقد و تجدینظر را به محافل علمی شیعه باز آورد.

← علما

با همه این احوال، در این دوره نیز حوزه نجف از تکاپوی علمی دور نماند.

از **ابوعلی طوسی**، فرزند شیخ طوسی، (متوفی ۵۱۵) اثری چون **المرشد الی سبیل المتعبد** و الامالی به جای مانده است. وی نزد علمای شیعه با عنوان مفید ثانی شهرت دارد.

[۱۸] **علی بن عیبدالله منتجب‌الدین رازی، الفهرست، ج ۱، ص ۴۶، چپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش.**

[۱۹] **ابن شهر آشوب، کتاب معالم العلماء، ج ۱، ص ۳۲۴، چپ عبس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۵۳.**

این شهر آشوب مازندرانی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مؤلف مجمع‌النیان و ابو عبدالله حسین بن احمد بن طحّال مقدادی تربیت یافتگان محضر اویند.

[۲۰] **محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاریخها فی النجف»، ج ۱، ص ۴۵۴، در موسوعة العتبت المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.**

همچنین شیخ ابوالوفاء **عبدالجار رازی**، شیخ ابو محمد **حسن بن بابویه قمی** و شیخ ابو عبدالله **محمد بن هبه‌الله طرابلسی** معاصران او و جملگی از شاگردان پدرش در حوزه علمیه نجف بوده‌اند.

[۲۱] علی بن عبدالله منتجب‌الدین رازی، الفهرست، ج ۱، ص ۴۳، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش.

کتب شرح کافیه این **حاجب** و شرح قصائد **ابن ابی الحدید** از نجم‌الانامه رضی‌الدین **محمد استرآبادی** (متوفی ۶۸۶)،

[۲۲] محمد بن حسن حرّ عاملی، امل‌الامل، ج ۱، ص ۲۵۵، چاپ احمد حسینی، بغداد (۱۳۸۵)، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش. الایماقی فی شرح الایلاقی و شرح تعریب الزبده در طب از عبدالرحمان بن عتائقی از علمای حله و بعد نجف اشرف

[۲۳] **آقابرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۵۰۹.**

[۲۴] خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۳۳۰، بیروت ۱۹۸۰.

و **التفتیح الرابع فی شرح مختصر الشرایع** مقدار بن عبدالله سیوری مشهور به **فاضل مقدار** (متوفی ۸۲۶)

[۲۵] **آقابرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۴۶۳.**

از جمله آثار دانشمندان این دوره حوزه نجف است.

← دوره محقق اردبیلی و شاگردان

از نیمه دوم قرن دهم رونق علمی به حوزه نجف بازگشت.

← عوامل رشد

اقدامات اثرگذاری چون تسهیل دسترسی به آب آشامیدنی از طریق حفر انهار توسط شاهان صفوی و ساخت باروهای استوار و تأمین امنیت جانی ساکنان، به عنوان عوامل شکوفایی مجدد حوزه نجف شمرده شده است.

[۲۶] احمد مجید عیسی، الدراسة فی النجف، ج ۱، ص ۷۳۲، البیان، سال ۲، ش ۲۷، ۲۸ (ذیقعه ۱۳۶۶).

ولی بعید است چنین طر‌ح‌هایی به تنهایی شکوفایی علمی را باز آورده باشد، چه پیش از صفویان، برخی فرمان‌روایان و امیران ایلخانی و جلایری با روی‌کردی سیاسی به احیای نجف شیعی در برابر بغداد سنی به اقدامات مشابهی دست زده، اما توفیق چندانی کسب نکرده بودند.

[۲۷] **مجموعه فقیه، «الدور الثانی للجامعة النجفیة»، ج ۱، ص ۱۲۵، در موسوعة النجف الاشرف.**

← محقق اردبیلی

نقش مولی احمد بن اردبیلی (متوفی ۹۹۳) مشهور به **مقتس اردبیلی** در بازیابی رونق حوزه علمیه نجف در این دوره بسیار برجسته بود.

حضور محقق اردبیلی در حوزه نجف و مقبول افتادن مکتب فقهی او، یعنی تنبغ همه‌جانبه در احادیث و توجه به احادیث صحیح‌السند که چه بسا مورد بی‌اعتنایی یا اعراض فقهای سلف قرار گرفته بود در برابر قول به پذیرش فتوای مشهور، پژوهش‌گران و طلاب بسیاری را در حلقه‌ت درس او حاضر ساخت.

[۲۸] حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۹۸، چاپ حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.

[۲۹] حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۳۲۱، چاپ حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.

← شاگردان اردبیلی

کسانی چون شمس‌الدین محمد بن علی عاملی، نوه شهید ثانی، صاحب مدارک الاحکام (متوفی ۱۰۰۹) و حسن بن زین‌الدین، فرزند شهید ثانی معروف به صاحب معالم (متوفی ۱۰۱۱) از تربیت شدگان بزرگ مکتب فقهی و اصولی او هستند.

[۳۰] حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۹۴-۹۳، چاپ حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.

[۳۱] محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱، مقدمه جواد شهرستانی، ص ۳۱-۳۰، قم ۱۴۱۰.

مقدمه **کتاب معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین** حسن بن زین‌الدین در اصول فقه است و متن آن به فقه اختصاص دارد که ناقص مانده است.

این مقدمه از زمان تألیف تا به امروز محل توجه فقهای اصولی بوده و جایگزین کتب‌های سه‌گانه تعلیمی اصول فقه در حوزه‌های امامیه - یعنی شرح العمیدی علی تهذیب العلامة، شرح العلامة علی مختصر ابن‌الحاجب و شرح العزندی علی مختصر ابن‌الحاجب - شده و متداول‌ترین کتب درسی مقدماتی اصول فقه در نظام تعلیمی شیعه به شمار می‌رود.

[۳۲] زهیر اعرجی، «المدارس الاصولیة فی النجف»، ج ۱، ص ۲۳۴، در موسوعة النجف الاشرف، جمع بحوثها جعفر دنبلی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

← دوره علما

این دوره کوتاه از تاریخ حوزه نجف از حیث تعداد دانشمندان و نویسندگان، کم‌اهمیت نیست: محیی‌الدین بن محمود نجفی (متوفی ۱۰۳۰) در شعر و ادب دستی داشت

[۳۳] **سیدمحسن امین، أعیان‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۵.**

[۳۴] زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الرعاية فی علم‌الدراية، چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.

[۳۵] **آقابرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۶۵.**

ملا عبدالله یزدی (متوفی ۹۸۱) مؤلف حاشیه بر بخش منطق **تهذیب‌المنطق و الکلام** اثر **تفتازانی** متعلق به همین دوره حوزه نجف بوده و کتب او همچنان یکی از درس‌نامه‌های رایج در حوزه‌های علمیه است.

[۳۶] **مجموعه فقیه، «الدور الثانی للجامعة النجفیة»، ج ۱، ص ۱۲۷، در موسوعة النجف الاشرف.**

شیخ ابو الحسن فتوئی عاملی نجفی (متوفی ۱۱۴۰) که از او به عنوان فقه‌المحدثین یاد شده، صاحب نوشته‌هایی چون **مرآة الانوار** در تفسیر و **ضیاء‌العالمین** در کلام است.

کتاب اخیر در زمره مفصل‌ترین تألیفات کلامی به شمار می‌رود.
[۲۷۱] آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۷۵.

وی همچنین کتابی با عنوان **تنزیه القمیین** در نفی نسبت تشبیه و رویت به محدثان قم، تألیف کرده است.

← دوره اخباریان و افول آنان

از دهه چهارم قرن یازدهم حوزه علمیه نجف همانند دیگر حوزه‌های شیعه درگیر موضوع اخباری‌گری شد.

← استرآبادی

بزرگ‌ترین تأثیر را در این بین **محمدامین استرآبادی** (متوفی ۱۰۳۳) داشت.

وی که خود درس آموخته حوزه علمیه نجف بود و از صاحب‌مدارک اجازه روایت داشت با تألیف کتاب **الفوائد المدنیة** در ۱۰۳۰، به نقادی سخت روش اصولی و فقهی مجتهدان شیعه، که میراث پررهبانی شیخ‌الطائفه طوسی در حوزه علمیه نجف بود، پرداخت.

او امثال **ابن جنید**، **ابن ابی عقیل**، شیخ مفید، **سید مرتضی**، شیخ طوسی و از همه پیش‌تر **علامه حلی** را به انحراف از طریقت ائمه متهم می‌کرد و تکیه آنان به کلام و اصول فقه مبتنی بر افکار عقلی و اعتقاد به **قیس** را **بدعت** می‌شمرد (برای نمونه به این منبع رجوع کنید).

[۲۸] محمدامین بن محمدشرف استرآبادی، الفوائد المدنیة، ج ۱، ص ۳۷، چاپ رحمة‌الله رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۹.

[۲۹] محمدامین بن محمدشرف استرآبادی، الفوائد المدنیة، ج ۱، ص ۷۸، چاپ رحمة‌الله رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۹.

[۳۰] محمدامین بن محمدشرف استرآبادی، الفوائد المدنیة، ج ۱، ص ۹۶، چاپ رحمة‌الله رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۹.

(.)

← گسترش مکتب اخباری

مکتب اخباری، با شتلب، در نجف و دیگر مراکز علمی **عراق** و **ایران** و **بحرین** نفوذ و بیش‌تر فقیهان را به خود جذب کرد.

[۳۱] حسن طارمی‌راد، تاریخ فقه و فقها، ج ۲، ص ۹۶-۱۱۰، (تهران ۱۳۷۵ ش).

دانش اصول فقه و اصولیان از جنبش اخباری لطمت بسیار خوردند و حوزه علمیه نجف نیز از این آسیب‌ها مصون نماند،

[۳۲] محمدجواد فقیه، «الدور الثانی للجامعة النجفیة»، ج ۱، ص ۱۲۸، در موسوعة النجف الاشرف.

ولی از حرکت باز نایستاد و در این دوره نیز در نجف به نام دانشمندان یا آثار برجسته‌ای بر می‌خوریم.

از میان آن‌ها **مجمع البحرین** اثر شیخ **فخر الدین بن محمدعلی طریحی نجفی** (متوفی ۱۰۸۵) از مهمترین آثار قلمداد می‌شود، که موضوع آن واژگان دشوار **قرآن** و **حدیث** است.

[۳۳] سیدمحسن امین، **أعیان الشیعة**، ج ۸، ص ۳۹۴.

فاضل شروانی (متوفی ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹) از نویسندگان کثیرالتألیف این روزگار و از دانش‌آموختگان نجف بود که به **اصفهان** مهاجرت کرد و ضمن نوشتن کتب‌هایی چون

شرح الشرایع و حاشیه بر شرح تجرید قوشچی شاگردان بزرگی پرورد، همچون **میرزا عبدالله افندی** مؤلف **ریاض العلماء**، **شیخ حسن بلاغی** صاحب **تنقیح المقال** و مولی‌مجد اکمل اصفهانی پدر **وحید بهبهانی**.

[۳۴] سیدمحسن امین، **أعیان الشیعة**، ج ۹، ص ۱۴۲۱۴۳.

درگیری‌های پیوسته صفویان و عثمانیان بر سر تسلط بر عراق، هراس مردم از مهاجرت به عراق، فشار بر علمای مذهبی شیعه پس از سلطه عثمانی‌ها و روی‌دادهای طبیعی چون **ویا** در افزایش رکود علمی در این دوره بی‌تأثیر نبودند.

[۳۵] احمد مجید عیسی، **الدراسة فی النجف**، ج ۱، ص ۷۳۲، البیان، سال ۲، ش ۲۷، ۲۸ (ذیقعدة ۱۳۶۶).

همین عوامل باعث شد تا پایان قرن یازدهم از آمد و شد طلاب و دانش‌پژوهان به نجف کاسته شود و حتی مرکزیت جهان تشیع به **کربلا** انتقال یابد.

[۳۶] محمدجواد فقیه، «الدور الثانی للجامعة النجفیة»، ج ۱، ص ۱۳۴، در موسوعة النجف الاشرف.

← حنف اخباریون

محمدباقر بن محمد اکمل معروف به **وحید بهبهانی** (متوفی ۱۲۰۵) نقش مهمی در از میان بردن صولت و قدرت اخباریان داشت.

به قول **ابوعلی حائری** (متوفی ۱۲۱۶)، شاگرد بهبهانی، عراق، خصوصاً کربلا و نجف، پیش از آمدن بهبهانی آکنده از اخباریان بود تا آنجا که اگر کسی می‌خواست کتابی از آن فقهایی اجتهادی را حمل کند، برای پرهیز از نجس شدن، آن را با دستمال به دست می‌گرفت.

[۳۷] محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۶، ص ۱۷۸، قم ۱۴۱۶.

جنبشی که **وحید بهبهانی** در کربلا آغاز کرد، در نجف ثمر داد و با آمدن **محمد مهدی بن مرتضی** مشهور به **بحر العلوم** (متوفی ۱۲۱۲)، از شاگردان **وحید بهبهانی**، حوزه نجف با پشت سر گذاشتن ناملایمت دوره اخباری‌گری، به دوره جدیدی گام نهاد.

[۳۸] سیدمحسن امین، **أعیان الشیعة**، ج ۱۰، ص ۱۵۸۱۶۳.

این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که مجموعه انتقادهای دانشمندان اخباری و نیز میراث علمی آنان، به ویژه تلاش‌های آخرین فقیه نامبردار این جریان، **شیخ یوسف بحرانی** و کتاب مهم فقهی او، **الحدائق الناضرة**، در بالندگی و شکوفایی این دوره جدید، تأثیر درخور توجهی داشته است.

← دوره زعامت علمی

دوره بعدی را که از قرن سیزدهم شروع می‌شود و تا زمان حال ادامه می‌یابد، می‌توان عصر کمال و اوج درخشش و زعامت علمی حوزه نجف دانست. با آغاز فعالیت علامه بحر العلوم در نجف و عالمان و فقیهان بسیاری که به همت وحید بهبهانی تربیت شده بودند، حوزه نجف عظمت و شکوه خود را بازیافت و از نو به مرکز علمی جهان تشیع تبدیل شد.

← نتیجه تلاش‌های علما

تلاش‌های شاگردان مستقیم و غیرمستقیم وحید بهبهانی معطوف مبارزه با اخباری‌گری و پاسخ‌گویی به شبهات آنن و اثبات نیاز به قواعد اصولی در استنباط شد. [۴۹] ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقه، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵، تهران ۱۳۷۵ ش.

این کوشش‌ها ثمربخش بود؛ علم اصول را به کمال رساند و در زمینه فقه به طور محسوسی بلب بحث و نقد و تحلیل موضوعات و کاوش در آرای پیشینیان و ادله آنان گشوده شد [۵۰] محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاریخها فی النجف»، ج ۱، ص ۸۰، در موسوعة العتبت المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷. و سرانجام آن‌که جریان اخباری هر چند از میان نرفت، به شدت محدود شد. در امتداد سبک علمی وحید بهبهانی کتب‌های نفیسی در حوزه نجف به رشته تحریر درآمد.

← کاشف الغطاء

نگاشته‌های علامه بحر العلوم، به استوار کردن مکتب اجتهاد و کنار زدن جریان اخباری یاری رساند. پس از او شیخ جعفر بن خضر نجفی، معروف به کاشف‌الغطاء به زعامت امامیه و ریاست حوزه علمیه نجف رسید. با مساعی او، **میرزا محمد نیشابوری** (متوفی ۱۲۳۲) که به شدت برای حفظ و احیای مکتب اخباری می‌کوشید و حتی به حکومت قاجار نیز متوسل شده بود، از رقابت با اصولیان بازماند.

کاشف‌الغطاء رساله کشف الغطاء عن معایب المیرزا محمد عدو العلماء خود را برای طرد او نزد **فتحعلی شاه** به ایران فرستاد. [۵۱] **سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۰۴.**

علمای مؤثر نقد اخباری‌گری

دیگر دانشمندان حوزه علمیه نجف، همچون **محمدتقی اصفهانی** (متوفی ۱۲۴۸) در **هدایة المسترشدین فی شرح معالم‌الدین، مححسین اصفهانی در الفصول الغرویه، حجة الاسلام سید محمدباقر شفتی** (متوفی ۱۲۶۰) در **الزهره الباقية، شیخ محمدابراهیم کلیاسی** (متوفی ۱۲۶۱) در **اشارات الأصول، سید محمد مجاهد طباطبائی** نوه دختری وحید بهبهانی در **مفاتیح الاصول، میرزا ابوالقاسم قلی در قوانین الاصول** و سرانجام شیخ مرتضی انصاری (متوفی ۱۲۸۱) در **فراند الاصول** (مشهور به رسائل) هر کدام سهم مهمی در نقد فکر اخباری و توسعه علم اصول داشته‌اند.

← شیخ انصاری

انصاری از شاگردان **سید محمد مجاهد** و شیخ علی کاشف‌الغطاء و شیخ مححسین نجفی مشهور به صاحب جواهر در نجف بود و پس از وفات صاحب جواهر در ۱۲۶۶ به مرجعیت شیعه نایل آمد.

[۵۲] **مححسین حرزالدین، تاریخ النجف الاشراف، ج ۲، ص ۴۰۲، هذبه و زاد علیه عبدالرزاق مححسین حرزالدین، قم ۱۳۸۵ ش.**

کتب رسائل او از برترین نوشته‌های اصولی مذهب شیعه به شمار می‌رود؛ به ویژه طرح ابتکاری او در ساماندهی مباحث «حجّت»، اقی‌هایی نو در برابر فقها و مجتهدان گشوده است. این کتب از درس‌نامه‌های مهم حوزه‌های شیعی است که هم در مرتبه سطوح عالی تدریس می‌شود و هم بسیاری از استادان و مجتهدان حوزه‌های علمیه، دروس اجتهادی خود را در علم اصول، بر محور این کتب ارائه می‌دهند.

← میرزای شیرازی

مکتب فقهی - اصولی شیخ انصاری، با پی‌گیری جدی چند تن از شاگردان برجسته او، و در رأس آنان **میرزا محمد حسن شیرازی** استقرار یافت.

میرزای شیرازی، پس از شیخ انصاری به **سامرا** رفت و در آنجا حوزه درسی تأسیس کرد. به دعوت او شماری از مجتهدان و فضایی حوزه نجف نیز راهی سامرا شدند و با محوریت میرزای شیرازی، که مرجع علی‌الاطلاق شیعه بود، در تثبیت و تبیین آرای شیخ انصاری کوشیدند. در واقع، حوزه سامرا که نزدیک به نیم قرن پایید، بخشی از حوزه نجف بود و صرفاً با آن فاصله مکانی داشت.

← آخوند خراسانی

با این‌که دانشمندان دیگری در حوزه نجف، پس از شیخ انصاری، دست به تألیف و تصنیف در علم اصول زدند، ولی هیچ‌یک به رتبه آخوند ملا محکاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹) نرسیدند.

وی از تربیت‌شدگان مکتب اصولی شیخ انصاری است، ولی آرای او در همه مباحث با نظریات شیخ انطباق ندارد (برای بررسی تطبیقی آرای این دو تن به **عیان الاصول** اثر **سید مرتضی فیروزآبادی** رجوع کنید). پس از شیخ انصاری، او بیشترین تأثیر را بر حوزه‌های علمی شیعی گذاشته است.

کتاب کفایةالأصول او در بردارنده نظریات و بیان‌هایی ابداعی است و چون به طور موجز تألیف شده، شروع و تعلیقات و تقریرات بسیاری بر آن نوشته‌اند. این کتاب نیز به عنوان آخرین متن آموزشی علم اصول در سطح عالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اغلب فقیهان برجسته اصولی سده چهاردهم از پرورش یافتگان مکتب اصولی شیخ انصاری و شمار زیادی از آنان شاگردان آخوند خراسانی بوده‌اند. صدها تن محضر خراسانی را درک کردند و برخی چون [شیخ محمدجواد بلاغی](#) (متوفی ۱۳۵۲)، [ابو الحسن مشکینی](#) (متوفی ۱۳۵۸)، [محمدحسین نائینی](#) (متوفی ۱۳۵۶)، [محمدحسین اصفهانی](#) (متوفی ۱۳۶۱)، [آقا ضیاءالدین عراقی](#) (متوفی ۱۳۶۱)، [سید ابوالحسن اصفهانی](#) (متوفی ۱۳۶۵)، [شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء](#) (متوفی ۱۳۷۳)، [سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی](#) (متوفی ۱۳۷۷) و حاج آقا حسین بروجردی (متوفی ۱۳۸۰) به بالاترین مدارج اجتهاد و مرجعیت نایل آمدند. [۵۳] [اشراف جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲، ص ۷۸۹، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸/۱۴۲۴.](#)

به طور کلی، زعامت علمی در دو حوزه فقه و اصول، پس از شیخ انصاری بر محور آثار و آرای خراسانی شکل گرفته و به ویژه نظام مرجعیت شیعه از آن زمان تا عصر حاضر در اختیار شاگردان این مکتب قرار دارد.

از آن گذشته، پس از استقرار مجدد روش اصولی در استنباط، در پی تلاش وحید بهبهانی و ارتقای آن با ظهور شیخ انصاری، حوزه نجف کانون اصلی نظام تعلیمی شیعه شد؛ از یکسو درس‌آموختگان و استادان حوزه‌های دیگر، مثل [حوزه علمیه اصفهان](#) و [حوزه علمیه تهران](#) و [حوزه علمیه مشهد](#) و سایر شهرهای ایران و شهرهای عراق و [لبنان](#) و شهرهای شیعه‌نشین [هند](#) و [پاکستان](#) و [افغانستان](#)، برای تکمیل مدارج بالاتر راهی نجف شدند و از سوی دیگر مجتهدان و دانش‌آموختگان حوزه نجف پس از بازگشت به موطن خود یا اقامت در شهرهای دیگر امکان تقویت بنیه علمی حوزه‌های موجود یا برپایی حوزه‌های دیگر را به دست آوردند (برای اطلاعات درباره این موضوع به این منبع رجوع کنید)

[۵۴] [آقابزرگ طهرانی، مجلدات الکراملیرة و نقباء البشر، الذریعة الی تصانیف الشیعة.](#)
[۵۵] [اشراف جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۳، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸-۱۴۲۴.](#)

[۵۶] [اشراف جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸/۱۴۲۴.](#)
(.

کتاب دانش فقه

دانش فقه نیز در این دوره از تاریخ حوزه نجف، بازگشت روش‌های اصول استنباط به عرصه مباحث فقهی را آزمود.

← مفتاح الکرامة

[مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه](#) از آثار فقهی این دوره، تألیف محمدجواد عاملی (متوفی ۱۲۲۶) از شاگردان [وحید بهبهانی](#) است که مجمع آرای فقهی شیعی به شمار می‌رود و آرای آنان در هر موضوع را به اختصار و با ترتیبی خوش و متنی روان آورده است.

← مستند الشیعة

[مستند الشیعة فی احکام الشریعة ملا احمد نراقی](#) (متوفی ۱۲۴۵) دانش آموخته حلقه‌های درسی علامه بحر العلوم و کاشف الغطاء در نجف، از کتب کم‌نظیر فقهی است که با شم استدلالی و بیان جنبه‌های گوناگون هر مسئله و آرای مختلف درباره آن تصنیف شده است.

[۵۷] [احمد بن محمدنقی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۱۱۸، قم ۱۴۱۵.](#)

← جواهر الکلام

اما [جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام](#) در میان مجموعه‌های بزرگ فقهی این دوره چشمگیر و بی‌نظیر است و آرا و استدلال‌های فقهی گذشته را با تتبعی درخور و نقادی علمی فراوری پژوهش‌گران دانش فقه قرار می‌دهد.

مؤلف این اثر سترگ شیخ محمدحسن نجفی، مشهور به صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶) از شاگردان سید محمدجواد عاملی و شیخ جعفر کاشف الغطاء است. کتاب فقهی دیگر او [نجاه العباد فی یوم المعاد](#) رساله عملیه اوست که تا زمان تألیف [عروة الوثقی](#) جزء متون تحقیقی فقیهان به شمار می‌آمد و اینان با نوشتن شرح درصدد توضیح مطالب و گشودن پیچیدگی‌های آن بودند.

[۵۸] [سیدمحمدحسین امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۴۹.](#)

← مکاسب

از جدی‌ترین و ارزشمندترین نوشته‌های فقهی این دوره حوزه نجف کتاب [مکاسب](#) شیخ مرتضی انصاری است که تا به امروز متن درسی سطوح عالی، و معیاری است برای سنجش فهم فقهی و اجتهادی طلاب.

موضوع کتاب داد و ستد و مباحث پیرامونی آن است و با روش استدلالی و وجه گوناگون هر مسئله بررسی شده و نویسنده کاربرد و اثر قواعد اصولی و فقهی را در فقه به خوبی نمایانده است.

شروع و حواشی بسیاری که بر این متن فقهی نوشته شده از اهمیت آن در میان محققان حوزوی حکایت می‌کند.

دیگر این‌که در این دوره، نوشتن تقریر، حاشیه، شرح و تعلیقه که خود مجالی بوده است برای تحقیق و ارائه آرای جدید، شیوع فراوان یافته و برای نمونه از بسیاری از شاگردان مستقیم و غیرمستقیم شیخ انصاری در حوزه نجف شرح و تقریری از دروس و آثار او در دست است (برای اطلاع از برخی از آن‌ها به این منبع رجوع کنید)

[۵۹] [آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۵۲-۱۶۲.](#)
(.

← عروة الوثقی

عروالو لوقی مشهورترین اثر فتوایی **سید محکظم یزدی طباطبائی** است که به جامعیت، روانی، ترتیب مناسب، و داشتن فروع بسیار (۳۲۶۰) فرع در ابوابی از فقه که در این کتاب مطرح شده است)، به ویژه در باب مسائل مستحدثه تا زمان مؤلف، ممتاز و مشهور است. این کتاب به سرعت با استقبال فقها مواجه و جایگزین نجات العباد صاحب جواهر شد. در دوره‌های اخیر، این جایگاه برای کتاب وسیله النجاة سید ابوالحسن اصفهانی و بیش از آن برای **منهاج الصالحین سید محسن حکیم** پدید آمده است.

علم رجال

علم رجال، به عنوان یکی از شاخه‌های مطالعات حدیثی، نیز در حوزه نجف محل توجه بوده است و چند اثر جامع و تکنگاری رجالی نیز از دستاوردهای این دوره نجف است. از جمله **برسالة عیدمة النظیر فی احوال ابی بصیر** تألیف **سید ابوتراب خوانساری** استاد برجسته رجال. **تنقیح المقال** تألیف **مولی عبدالله مامقانی** و **معجم رجال الحدیث** تألیف **سید ابوالقاسم خویی**.

علوم عقلی

شهرت و اعتبار علمی حوزه علمیه نجف به علوم نقلی، به ویژه فقه و اصول، اجتهاد پویا و پرورش اندیشمندان در قلمرو این دو دانش بود و عالمانی که در افق علوم معقول ظاهر شده‌اند و نیز آثار ایشان، به هیچ روی قابل مقایسه با اصحاب علوم نقلی و نوشته‌هایشان نیست؛ حتی بر پایه برخی اطلاعات، در حوزه نجف، در دوره جدید، با خواندن فلسفه مخالفت می‌شده است. **[۱۷]** **محمدحسن نجفی قوچانی**، سیاحت شرق، ج ۱، ص ۵۲۵، یا، زندگی‌نامه آقاجنقی قوچانی، چلپ رمضانعلی شاکری، تهران ۱۳۶۲ ش.

← علمای موثر در علوم عقلی

در عین حال، تلاش‌هایی برای تحقیق و تدریس این علوم صورت می‌گرفته است.

← حسینقلی همدانی

مثلاً شیخ **محمدتقی گلپایگانی نجفی** (متوفی ۱۲۹۲) علوم عقلی تدریس می‌کرد **[۱۸]** **سیدمحسن امین**، **أعیان الشیعة**، ج ۹، ص ۱۹۳. تا آن‌که **آخوند ملا حسینقلی همدانی** (متوفی ۱۳۱۱)، شاگرد حاج **ملا هادی سبزواری**، در نجف رحل اقامت افکند و شاگردان خویش را با حکمت متعالیه ملاصدرا آشنا ساخت **[۱۹]** **عبدالجبار رفاعی**، «تطور الدرس الفلسفی فی النجف الاشراف»، ج ۱، ص ۳۹، در موسوعه النجف الاشراف. هر چند شهرت او بیش‌تر ناشی از ترویج مکتب عرفانی در این حوزه است.

← حسین بادکوبه‌ای

در این میان، **سید حسین بادکوبه‌ای** (متوفی ۱۳۵۸) مهم‌ترین شخصیت اثرگذار در تعلیم و نشر علوم عقلی در حوزه نجف بود. وی در حوزه فلسفی تهران درس آموخت و پس از مهاجرت به نجف، نزد استادان آن حوزه فقه و اصول آن را فرا گرفت؛ سپس به تدریس متون فلسفی همت گماشت. از جمله شاگردان معروف او، فیلسوف معاصر، سید **محمدحسین طباطبائی** بود.

تأثیر فلسفه بر اصول

به این نکته نیز باید توجه کرد که شمار نه‌چندان اندکی از استادان و دانش‌آموختگان حوزه نجف، پیش از انتقال به این شهر یا پس از بازگشت به موطن خود، در حوزه‌های تهران و اصفهان، به درس و بحث فلسفه اشتغال داشته‌اند و این ورود و وقوف، در مباحث اصولی آنان نیز تأثیر گذاشته بوده است: **آخوند خراسانی** نزد حاج **ملا هادی سبزواری** و **میرزا ابوالحسن جلوه** فلسفه خوانده بود و برخی نگرش‌های فلسفی را در مهم‌ترین اثرش، **کفایة الاصول**، مطرح ساخت؛ **[۲۰]** **عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین**، تاریخ النجف الاشراف، هذبیه و زاد علیه قم ۱۳۸۵ ش. **[۲۱]** **احمد نراقی**، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۵. **میرزا احمد آشتیانی** و **شیخ محمدتقی آملی**، دو مجتهد برجسته نیمه دوم قرن چهاردهم تهران، که مراتب عالی اجتهاد را در نجف طی کرده بودند، فلسفه نیز درس داده‌اند و شروعی بر متون فلسفی داشته‌اند.

← جریان فلسفه غرب

در دهه‌های اخیر، ورود اندیشه‌های فلسفی غرب، حوزه علمیه نجف را به تکاپو و اداسات تا پاسخ‌های مناسبی به نظریات و فرضیات و مسائل مطرح شده توسط دانشمندان غربی، به ویژه درباره فلسفه مادی‌گری، ارائه کند. **[۲۲]** **عبدالجبار رفاعی**، «تطور الدرس الفلسفی فی النجف الاشراف»، ج ۱، ص ۴۲، در موسوعه النجف الاشراف.

کتاب **نقد فلسفه دارون**، تألیف عالم بزرگ اصفهانی، **آقا محمد رضا مسجدشاهی** (متوفی ۱۳۶۲) که آن را در ۱۳۳۱ در نجف نوشت و کتاب **انوار الهدی** از **محمدجواد بلاغی** (متوفی ۱۳۵۲)

هر دو در رد مادی‌گری و طبیعت‌گرایی این نوشته شده است؛ به ویژه از آن جهت که فرضیه تکامل دست‌آویزی برای طرفداران فلسفه مادی‌گری شده بود، مؤلفان این کتاب‌ها به نقد این فرضیه پرداخته‌اند.

در [تفسیر مواهب الرحمن](#) سید عبدالاعلی سبزواری از مراجع معاصر (متوفی ۱۳۷۲ ش) نیز نقد همین فرضیه مورد توجه بوده است.

[۴۶] عبدالجبار رفاعی، «تطور الدرس الفلسفی فی النجف الاشرف»، ج ۱، ص ۴۱-۴۲، در موسوعه النجف الاشرف.

[۴۷] آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۴۴۷.

مجموعه بلاغی در موضوع پاسداری از حریم فکری اسلام و شیعه بیش از همه فعال بود.

فرقه‌های انحرافی

در کنار جریانات فکری پیش‌گفته و رقبای سنتی شیعه اجتهادی، یعنی مذهب تسنن و مکتب اخباری، فرقه‌هایی انحرافی در سده اخیر در دنیای اسلام همچون [قادیانیه](#)، [هابییه](#)، و [بابیه](#) و [بهائیت](#) پدید آمدند.

از ناحیه دیگر، گروه‌های تبشیری مسیحی تحت حمایت استعمارگران اروپایی از ادانه در جوامع اسلامی تبلیغ می‌کردند.

بلاغی برای مقابله با فعالیت تبشیری و تبلیغ ضداسلامی آنان، زبان انگلیسی و عبری آموخت و کتب‌های بسیاری، نظیر المدرسة السیارة، را در رد [یهود](#) و [نصارا](#) تألیف کرد.

[۴۸] اعلام المعقول فی مدرسة النجف، در موسوعه النجف الاشرف، ج ۱، ص ۸۳، بغداد ۱۹۷۵.

[مصائب الهدی](#) در نقد قادیانیه و [نصائح الهدی](#) در رد بابیان و بهائیان نیز توسط او نگاشته شده است.

[۴۹] اعلام المعقول فی مدرسة النجف، در موسوعه النجف الاشرف، ج ۱، ص ۸۳، بغداد ۱۹۷۵.

سید ابوالحسن اصفهانی مرجع بزرگ نجف نیز شماری از فضلالی حوزه را به نواحی مختلف عراق گسیل می‌کرد تا با جریان تبشیری انگلیسی‌ها به مقابله فرهنگی برخیزند.

[حبیب بن محمد مهاجر](#) از نمایندگان وی در جنوب عراق، تلاشی جدی در این راه به خرج داد، از جمله تأسیس بیمارستان، چاپخانه، نشر مجله‌ای به نام الهدی و بنیاد چند مدرسه.

[۷۰] اشرف جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۱، ص ۱۷۰، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸-۱۴۲۴.

جریان [شیخیه](#) نیز موجب بروز واکنش‌هایی در حوزه علمیه نجف گردید.

همچنین نوشته‌های متعددی از علمای نجف در رد و هابی‌گری در دست است که [منهج الرشاد لمن أراد السداد](#) شیخ جعفر کاشف الغطاء نخستین نوشته شیعی در رد این فرقه به شمار می‌رود.

[۷۱] [سیدمحسن امین، أعيان الشيعة](#)، ج ۴، ص ۱۰۴.

(برای سایر فعالیت‌های کاشف الغطاء در مقابله با حملات مکرر و هابیان به نجف به این منبع رجوع کنید)

[۷۲] [محمدحسین حرزالدین، تاریخ النجف الاشرف](#)، ج ۲، ص ۳۸۷، هذبه و زاد علیه عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، قم ۱۳۸۵ ش.

(.

← کمونیسم

در سال‌هایی که رشد و تبلیغ افکار کمونیستی در میان جوانان عراقی چندان بود که حتی دامن طلاب و فرزندان علما را نیز گرفته بود، این امر باعث نگرانی بزرگان حوزه علمیه نجف شد و مقابله با این تبلیغ در کانون توجه آنان قرار گرفت.

تأسیس مؤسسات علمی و تربیتی در سطوح مختلف در شهرهای عراق به توصیه و امر آیت‌الله سید محسن حکیم از جمله اقدامات فرهنگی در برابر این جریان بود.

آیت‌الله شهید [سید محمدباقر صدر](#) نیز با تألیف کتب‌هایی چون فلسفتنا و اقتصادنا و البنک الکرزئوی همین رسالت را ادامه داد.

کتابخانه‌ها

کتابخانه‌های بسیاری در شهر نجف برای تأمین منابع مطالعاتی استادان و طلاب حوزه علمیه شکل گرفته‌اند.

به همین دلیل، نجف همواره یکی از معتبرترین و مهم‌ترین مراکز کتابخانه‌ای دنیا بوده است.

← حیدریه

برخی از این کتابخانه‌ها همچون کتابخانه حیدریه (نام دیگر آن: الخزانة الغرویة) که پیشینه آن به قرن چهارم و شاید قبل‌تر می‌رسد و شاهد نظارت فقهای بزرگی چون [علامه حلی](#) بوده است، در دوران حکمیت رژیم بعثی آسیب بسیار دید، اما پس از سقوط [صدام حسین](#) بازسازی شد و زیر نظر مرجعیت شیعه در عراق فعالیت می‌کند.

این کتابخانه در مجموعه حرم امیرمؤمنان (علیه‌السلام) واقع است.

← حسینیه شوشتری‌ها

کتابخانه حسینیه شوشتری‌ها از معتبرترین کتابخانه‌های نجف بود که به تدریج از بین رفت.

← آل کاشف الغطاء

کتابخانه شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء از مشهورترین کتابخانه‌های نجف و مورد استفاده اهل علم بوده و هنوز نیز دایر است.

[۷۳] جعفر بن باقر آل محبویه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶.

[۱۷۴] جعفر خلیلی، «مکتب‌النجف القدیمة و الحدیثة»، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴، در موسوعة العتبات المقدسة.

برخی از کتابخانه‌های مدارس نجف، دست‌خوش زوال شده‌اند، نظیر کتابخانه‌های مدارس قوام، خلیلی و آخوند خراسانی؛ ولی برخی همچون کتابخانه مدرسه سید محمدکاظم طباطبائی یزدی اهمیت خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

[۱۷۵] جعفر خلیلی، «مکتب‌النجف القدیمة و الحدیثة»، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶، در موسوعة العتبات المقدسة.

← کتابخانه عمومی امیرمؤمنان

کتابخانه عمومی امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، به دست شیخ عبدالحسین امینی، مؤلف **کتاب‌الغدیر**، در بیش از پنجاه سال پیش در نجف تأسیس شد و یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های این شهر است؛ همچنین است کتابخانه عمومی آیت الله سید محسن حکیم در مجموعه مسجد هندی. این کتابخانه‌ها، علاوه بر فراهم آوردن منابع مطالعاتی حوزهای، مورد استفاده سایر دانش‌پژوهان نیز هستند.

دوره‌های حوزه نجف

حوزه علمیه نجف را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

← دوره اول

نخستین دوره از حوزه علمیه نجف اشرف با هجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف آغاز می‌گردد و تا قرن ششم هجری ادامه می‌یابد. در سال ۴۴۸ هجری فعالیت‌هایی بر ضد شیعه امامیه صورت گرفت. اذان گویان از گفتن «حی علی خیر العمل» منع شدند و حتی در شهر کازمین هم که به موجب سازش قبلی این امر مجاز شمرده می‌شد، به طور جدی منع گردید و به جای آن «الصلاه خیر من النوم» گفته شد و احدی یارای مخالفت نداشت.

چندی نگذشت که یکی از بزرگان شیعه به نام «**ابن الجلاب**» را به قتل رساندند و در پی آزار شیخ طوسی برآمدند. شیخ مجبور گردید تا شبانه به طرف نجف اشرف هجرت کند. پس از هجرت شیخ، خانه‌اش به یغما رفت.

[۱۷۶] میرزا عباس فیض، تاریخ کازمین، ص ۸۹-۹۰.

و شاید قسمتی از تالیفات او در این حمله سوخت.

[۱۷۷] علی دوانی، هزاره شیخ طوسی، ص ۶۳.

بدین ترتیب شیخ الطائفه پس از ۲۲ سال مرجعیت در بغداد به نجف اشرف هجرت کرد و پس از گذشت ۱۲ سال به دیار باقی شتافت. هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف موجب گشت تا ده‌ها دانشمند شیعی در این حوزه گرد آیند و صدها دانش‌پژوه به تحقیق و تالیف پردازند و از محضر دانشمندان بهره برند. و همین امر به بنیان‌گذاری حوزه علمیه نجف اشرف انجامید. حوزه‌ای که با برخورداری از بزرگان علم و عمل دانشکده‌های مختلف خود را در این دانشگاه بزرگ شیعی تأسیس نمود و به علوم اسلامی در **فقه** و **کلام** و **تفسیر** و **حدیث** پرداخت.

پس از رحلت شیخ طوسی در سال ۴۶۰ هجری فرزندش «شیخ ابوعلی طوسی» - زنده در سال ۵۱۵ هجری - مرجعیت شیعه را عهده‌دار گردید و «ابونصر محمد بن ابی‌علی الحسن بن ابی‌جعفر محمد بن الحسن الطوسی» فرزند ابوعلی پس از پدرش حوزهای را که جنبش دایر کرده بود اداره نمود.

[۱۷۸] جعفر خلیلی، موسوعة العتبات المقدسة - قسم النجف، ج ۲، ص ۴۵.

← دوره دوم

در این دوره که از قرن ششم تا نهم هجری به طول انجامیده **حوزه علمیه کربلا** از تحرک بیشتری برخوردار بوده است و دانشمندی چون «ابوالعباس احمد بن علی نجاشی»، «عماد الدین، **ابن حمزه طوسی**»، «**سید فخار موسوی حائری**»، «رضی الدین **علی بن طووس**»، «شمس الدین **محمد بن مکی**» (شهید اول)، «**ابن خازن حائری**» و «**ابن فهد حلی**» در آن به تربیت دانشجویان علوم دینی مشغول بوده‌اند. از این رو حوزه علمیه نجف در آن برهه از رونق چندانی برخوردار نبود، چه آنکه اغلب رجال علم در حوزه کربلا سکنی گزیدند. برخی علت رکود علمی این دوره را به سبب تحرک حوزه حله در این عصر دانسته‌اند و بیوتات علمی **آل دریس**، **آل شیخ ورام**، **آل فهد**، **آل طووس** و... را دلیل گفتار خویش ساخته‌اند.

[۱۷۹] جعفر خلیلی، موسوعة العتبات المقدسة - قسم النجف، ج ۷، ص ۵۳.

← دوره سوم

دوره سوم حوزه علمیه نجف اشرف از قرن نهم هجری آغاز می‌گردد و تا قرن یازدهم هجری ادامه می‌یابد. پس از این دوره که عصر حضور فقهای اصولی است، علمای اخباری در این مرکز فعالیت بیشتری داشته‌اند.

جمال‌الدین و شرف‌المعتمدین ابو عبدالله مقاد بن عبدالله بن محمد بن حسین بن محمد سیوری حلی اسد غروی، معروف به «**فاضل مقاد**» از فقهای شیعه و دانشمندان بزرگ این دوره است که در روستای «سیور» حله متولد گردیده و از شاگردان شهید اول است. وی نه تنها در فقه دانشمندی برجسته است، بلکه متکلمی ورزیده به حساب می‌آید.

وی با نگارش شروعی بر آثار استاش، مکتب شهید اول را بارورتر ساخت و حوزه فقه استدلالی را وسعت بخشید و با تالیف کتابی در فقه‌القرآن مبانی قرآنی فقه شیعی را بیان داشت و پس از آن با دیگر نگاهشده‌های خود منزلت تفکر شیعی و بینش وی در اصول اعتقادات و فروع احکام را روشن ساخت. از جمله شاگردانی که در حوزه وی تربیت یافتند به دانشمندان زیر بر می‌خوریم:

۱. **شمس الدین محمد بن شجاع قطان انصاری حلی** (صاحب کتاب «معالم الدین فی فقه آل یاسین»)

۲. **حسین بن راشد حلی**

[۱۸۰] **فاضل مقاد، کنز العرفان، مقدمه، ص ۸۹.**

با توجه به این نکته که فاضل مقاد از دانشمندان بزرگ شیعه در حوزه علمیه نجف اشرف و مرجع تقلید شیعیان در آن عصر بوده به تأسیس مدرسه‌ای به نام «مدرسه سیوری» اقدام

ورزیده است تا دانشجویان علوم اسلامی در آن به تحصیل پردازند. (این مدرسه بعدها به صورت مخروبه‌ای درآمد تا آنکه در سال ۱۲۵۰ هجری سلیم خان شیرازی به تجدید بنای آن اقدام ورزید و تاکنون همان ساختمان باقی است).

پس از فاضل مقداد که در سال ۸۲۶ هجری از دنیا رفت، شاگرد دانشمندش «علی بن هلال جزایری» مقام رهبری جامعه شیعه را برعهده گرفت. احمد بن محمد اردبیلی معروف به «مفسر اردبیلی» از دیگر فقه‌های نامدار امامیه قرن دهم هجری و معاصر شاهان صفوی است. گویند **شاه عیلس** اصرار داشت که وی به اصفهان رود، ولی او حاضر نشد.

پس از رحلت مفسر اردبیلی در سال ۹۹۳ ه. ق. در نجف اشرف حیات علمی نجف اشرف با وجود دانشمندی در فقه و اصول ادامه یافت که در این بیان می‌توان از «سید محمد بن علی الموسوی الجبعی» صاحب مدارک، نام برد. وی شرحی بر «شرائع الاسلام» نگاشت و آن را در سال ۹۹۸ هجری به اتمام رساند. «مدارک الاحکام» یکی از ارزنده‌ترین کتب فقه استدلالی شیعه است که مؤلف آن در سال ۱۰۰۹ هجری از دنیا رفته است.

[۸۱] عیلس قمی، الکنی و الاقلاب، ج ۲، ص ۳۵۸، ۳۵۷.

کتب شریف «معالم‌الدین» نیز در این دوره حوزه علمیه نجف اشرف به پایان رسیده است. «مؤلف آن جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین» (۱۰۱۱-۹۵۹ ه. ق.) فرزند **شهید ثانی** و از شاگردان مفسر اردبیلی است. این کتب تا دوره‌های اخیر در حوزه‌های شیعه مورد بحث و تدریس بوده است. در این برهه علاوه بر فقه و اصول در علوم چون منطق، آیت الاحکام، تفسیر و عقاید و رجال نیز کتابهای گرانسنگی نگاشته شد که حاکی از حیات علمی حوزه نجف در این دوره است. برخی از این کتب عبارتند از:

۱. **حاشیه بر تهذیب المنطق** | ملا عبدالله یزدی
۲. **مجمع البحرین** | شیخ فخرالدین طریحی (متوفی ۱۰۸۵ ه. ق.)
۳. **آیت الاحکام** | شیخ احمد بن اسماعیل جزائری (متوفی ۱۱۵۱ ه. ق.)
۴. **مرآة الانوار** | شیخ ابوالحسن فتونی عملی نجفی (متوفی ۱۱۳۸ ه. ق.)
۵. **ضیاء العالمین** | شیخ ابوالحسن فتونی
۶. **تنقیح المقال فی علم الرجال** | شیخ حسن بن عیلس بن محمدعلی بلاغی

← دوره چهارم

این دوره از اوایل قرن یازدهم شروع شد و تا آخر آن امتداد داشت و به اخباریانی اختصاص یافت که در حوزه علمیه نجف به فعالیت علمی اشتغال داشتند. در این عصر رکود علمی مباحث اصولی مشهور است تا اینکه وحید بهبهانی از ایران به کربلا و نجف آمد و با مباحث علمی پایه‌های منطق اجتهاد را تقویت کرد.

← دوره پنجم

این دوره که از قرن دوازدهم تا قرن پانزدهم هجری را شامل می‌گردد از پرتکاپوترین دوره‌های حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می‌رود. شروع دوره پنجم حوزه نجف با هجرت وحید بهبهانی و شاگردان وی آغاز می‌گردد. «سید محمد مهدی بحر العلوم» (۱۱۵۵/۱۱۵۴-۱۲۱۲ ه. ق.) از شاگردان وحید بهبهانی و شیخ **یوسف بحرانی** است که پس از استاد کل زعامت شیعیان و مدیریت حوزه علمیه نجف را برعهده گرفت و آن در حالی بود که هنوز سنش از ۳۰ سال تجاوز نکرده بود. بحر العلوم از دانشمندان فرزانه‌ای است که مقامات معنوی و سیر و سلوکی را به نحو نیکو طی کرده و مورد احترام علمای شیعه بوده است و تالی معصوم به شمار می‌رود. کرامت زیادی از او نقل شده است و گویند شیخ جعفر کاشف الغطا دانشمند معاصر وی، با تحت‌الحنک عامه خویش غبار نعلین او را پاک کرد.

[۸۲] مر ترضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۹۹.

در مکتب وی بزرگان پرهیزکاری پرورش یافتند که هر یک پس از او مباحث فقه استدلالی را پیش گرفتند و مشکلات اجتماعی را با اجتهاد پویا حل نموده، به مسایل مختلف پاسخهای متین ارائه دادند.

← علمای این دوره

از دیگر علمای حوزه علمیه نجف در این دوره می‌توان به اسامی زیر اشاره نمود:

۱. شیخ جعفر کاشف الغطا
۲. سید محمد جواد عاملی (صاحب «مفتاح الکرامه»)
۳. شیخ محمد تقی اصفهانی
۴. شیخ احمد نراقی
۵. سید میر علی طباطبایی (صاحب «ریاض»)
۶. شیخ مهدی نراقی
۷. شیخ محمد حسن نجفی، (صاحب جواهر الکلام)
۸. سید محمد باقر، (صاحب انوار)
۹. حاج محمد ابراهیم کرباسی، (صاحب اشارات)
۱۰. آقا جمال

شیخ محمد حسن نجفی - قس سره - از دیگر آیت عظامی است که با بهرموری از اساتید قوی حوزه علمیه نجف اشرف به مقام اجتهاد رسید و با تالیف کتب «**جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**» که سی سال به طول انجامید تحول عظیمی در حوزه علمیه ایجاد کرد، به گونه‌ای که تا حال نیز کتب فوق در حوزه‌های علمیه شیعه به عنوان یکی از منابع اولیه فقه شالخته می‌شود.

پس از صاحب جواهر، حرکت علمی حوزه علمیه نجف اشرف ادامه یافت و از بینش عمیقی که در مکتب صاحب جواهر از فقه جعفری به وجود آمده بود، شخصیت‌های بزرگ علمی بسان شیخ مرتضی انصاری، آخوند خراسانی، **میرزای شیرازی**، **میرزای نایینی** و **شیخ الشریعه اصفهانی** و... یکی پس از دیگری مرجعیت و رهبری امت اسلامی را برعهده گرفته، نهضت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی آفریدند.

شاگردان شیخ مرتضی انصاری

شیخ مرتضی انصاری پس از صاحب جواهر مرجعیت علمه یافت و ریاست حوزه علمیه نجف اشرف را عهده دار گردید. برخی از شاگردان شیخ انصاری عبارت‌اند از:

۱. آیت‌الله **سید حسین کوه کمری**

۲. آیت‌الله سید میرزا محمد حسن شیرازی
 ۳. آیت‌الله شیخ جعفر شوشتی
 ۴. آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی
 ۵. آیت‌الله شیخ محمدحسن مامقانی
 ۶. آیت‌الله ملا محمدکاظم خراسانی
 ۷. آیت‌الله میرزا محمدحسن آشتیانی
 ۸. آیت‌الله میرزا ابوالقاسم کلانتر
 ۹. آیت‌الله شیخ‌هادی تهرانی
 ۱۰. آیت‌الله شیخ محمد طه نجف
 ۱۱. آیت‌الله میرزا عبدالرحیم نهاوندی
 ۱۲. آیت‌الله ملاحسین قلی همدانی
 ۱۳. آیت‌الله حسین خلیلی تهرانی
 ۱۴. آیت‌الله شیخ عبدالحسین جوهری
 ۱۵. آیت‌الله شیخ ابراهیم صادق عملی
 ۱۶. آیت‌الله فاضل شریبانی
 ۱۷. آیت‌الله شیخ آقا حسن نجم آبادی (یادآوری این نکته لازم است که برخی از شاگردان شیخ انصاری، شاگردان میرزای شیرازی و آیت‌الله کوه کمری می‌باشند).
 ۱۸. آیت‌الله ملا قربانعلی معروف به حجة الاسلام
- شیخ انصاری دارای تالیفات عدیده‌ای در فقه و اصول است که «رسائل» و «مکاسب» وی در شمار کتب درسی حوزه‌های علمیه شیعه قرار گرفته است.

مرجعیت شیعه بعد از شیخ انصاری

با وفات شیخ انصاری در سال ۱۲۸۱ هجری، مرجعیت شیعه به سه تن از شاگردان میرزا او رسید:

۱. میرزای شیرازی (متوفی ۱۳۱۲ ه. ق.)
 ۲. آیت‌الله کوه کمری (متوفی ۱۲۹۱ ه. ق.)
 ۳. میرزا حبیب‌الله رشتی (متوفی ۱۳۱۲ ه. ق.)
- آخوند مولی محمد کاظم خراسانی از دیگر رجال این دوره از حوزه علمیه نجف اشرف است که در تحقیق مبانی اصولی ژرف‌نگری خاصی را از خود نشان داد و با سبکی نوین به تدوین اصول فقه پرداخت.
- از جمله دانشمندان شیعه که پس از آخوند خراسانی به مرجعیت رسید آیت‌الله العظمی محمد حسین نایینی - قس سره - (متوفی ۱۳۵۵ ه. ق.) است که در حوزه‌های علمیه اصفهان، سامرا و نجف اشرف به تحصیل پرداخته بود و آخوند خراسانی را در کارهای مهم سیاسی - اجتماعی یاری می‌کرد. کتاب «تنبیه الامه و تنزیه الملم» وی که آخوند بر آن مقدمه‌ای نگاشت، دعوت به تشکیل حکومت مشروطه بر مبنای اسلام است.
- از دیگر دانشمندی که در این دوره علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، به امور سیاسی - اجتماعی نیز توجه داشت، حضرت آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹-۱۲۶۶ ه. ق.) است که پس از وفات میرزای دوم انقلاب عراق را هدایت کرد.

اساطین فقه

چنانکه گذشت شیخ اعظم انصاری (قس سره) با نگرشی جدید به مبانی اجتهاد تحولی شگرف در علم اصول به وجود آورد و مکتب اصولی وی را شاگردان میرزا او بسن میرزای شیرازی، میرزای رشتی و آیت‌الله کوه کمری ادامه دادند تا آنکه شخصیت‌های متفکر و مجددی بسن آخوند خراسانی پا به عرصه نهاد و مکتب اصولی شیخ اعظم را تریبی نوین بخشید و امهت مباحث اصولی را در کتاب وزین «کفایه» فراهم آورد.

آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی، آیت‌الله آقا ضیاء الدین عراقی و دیگر شاگردان آخوند خراسانی با تدوین کتب و تدریس اصول فقه با اسلوب جدید، تحولی را که از عصر شیخ اعظم به وجود آمده بود، تداوم بخشیدند. علامه نایینی نیز با ژرف‌نگری خویش بر عمق و محتوای مباحث اصولی افزود و جایگاه علم اصول در فقه جعفری براندمتر از همیشه خودنمایی کرد و لیاقت خویش را در اجتهاد شیعی نشان داد.

اینک وقت آن رسیده بود که علم فقه، تریبی منسجم به خود گیرد و فروع احکام از امهت مباحث استخراج گردد و با روشی نوین تدوین یابد.

حضرت آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۸ ه. ق.) با تالیف «عرو و آلو تقی» و حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۷۷-۱۳۶۵ ه. ق.) با نگارش «وسیله النجاه» مسایل شرعی را با جامعیتی فراگیر تدوین کردند و به دنبال حرکت علمای اصول، در فقه شیعی تحولی دیگر به وجود آوردند.

آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی که از حوزه‌های علمیه اصفهانی و نجف بهره برده بود، رانوخته‌های خویش را با تالیف و تدریس در اختیار مشتاقان علوم اهل بیت نهاد و با نگارش کتبی در «منجلیت»، «دعا»، فقه و اصول و حجت هدف در اصول معارف و فروع احکام را به اثبات رساند و جامعیت خویش را در این علوم نشان داد.

«العرو و آلو تقی» با ۳۲۶۰ مساله فقهی کتابی شد مرجع، و مراجع عظام را بر آن داشت تا از اسلوب آن پیروی کنند و فروع فقهی آن را در حوزه‌های درس خارج مورد بحث و بررسی قرار دهند. چنانکه تاکنون ده‌ها حاشیه و شرح بر آن نگاشته شده است.

کتاب «وسیله النجاه» حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (قس سره) از دیگر نگاشته‌های فقه استدلالی شیعه است که به موجب فراگیر بودند مسایل آن مورد توجه فقهایی فرزانه‌ای بسن حضرت امام خمینی (قس سره الشریف) واقع شد و برخی از کتابهای استدلالی فقه شیعه بر مبنای آن تالیف گردید آیت‌الله اصفهانی که از حوزه‌های اصفهان و نجف اشرف بهره برده و به مقام اجتهاد رسیده بود پس از درگذشت آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی در سال ۱۳۳۸ به عنوان مرجع تقلید معرفی شد همزمان با ایشان علامه نایینی نیز مرجع تقلید شیعیان بود تا اینکه در سال ۱۳۵۵ علامه نایینی در نجف و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در قم از دنیا رفتند و مرجعیت عمه به آیت‌الله اصفهانی رسید.

این دو بزرگ علم فقه نیز بسن صالح خویش در مسایل سیاسی - اجتماعی عصر خود شرکت داشتند. چنانکه فرزند مجاهد صاحب عروه در حمله انگلیسی‌ها به عراق در مقابل تهاجم دشمن همراه دیگر روحانیون حوزه و مردم عراق شرکت و به فیض شهادت نایل آمد و آن زمانی که فقیه اهل بیت، آیت‌الله طباطبایی یزدی فتوایی در دفاع از کشور اسلامی عراق داده بود.

از جمله فعالیت‌های تبلیغی آیت‌الله اصفهانی، تعیین نمایندگانی است که برای ترویج معالم دین و ارشاد شیعیان به دورترین نقاط جهان می‌فرستاد و برای ترویج مذهب تشیع در آسیا و آفریقا مبلغ و ویژه‌ای اختصاص داده بود.

معرفی آیت‌الله حکیم

حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم (۱۲۶۴-۱۳۹۰ ه. ق.) از دیگر فقهایی شیعه امامیه است که در حوزه علمیه نجف ریاست شیعیان را برعهده داشت. وی از دروس فقه و اصول آخوند خراسانی، آقا ضیاء الدین عراقی و برخی از مردان نامی حوزه نجف بهره برده و به مقام اجتهاد رسیده بود. ایشان کتبی در فقه و اصول استدلالی و بعضی دیگر از علوم چون حدیث

شناسی و هیئت به رشته تحریر در آورده بود که عبارتند از:

۱. [مسنسک العر و تالوتقی](#)

۲. [حقائق الاصول فی شرح کفایة الاصول](#)

۳. [نیج الفقاهه](#)

۴. [لیل الناسک](#)

۵. [شرح تبصره المتعلمین](#)

۶. [منهاج الصالحین](#)

۷. [شرح النافع](#)

۸. [منهاج الناسکین](#)

۹. [شرح تشریح الافلاک](#)، در علم هیئت

۱۰. [شرح کتب المراج](#)، در علم صرف

۱۱. رساله‌ای در علم درایه

هرچند آیت‌الله حکیم در عصر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی یکی از مراجع تقلید شناخته می‌شد لیکن پس از رحلت ایشان و آیت‌الله بروجردی مرجعیت علمه در وی تحقق یافت و اقتدار عظیمی از مردم عراق و ایران و کشورهای شیعه‌نشین از ایشان تقلید کردند.

آیت‌الله حکیم (قدس سره) از جمله مراجع فعال در فقه سیاسی است و سیره عملی آن بزرگ مرد، درس استقامت و جهاد با کفر و [شرک](#) و [نفاق](#) است. وی در یکی از نامه‌هایش می‌نویسد:

اگر سیاست به معنای اصلاح امور مردم و تلاش برای بالا بردن و پیشرفت آنها و نیکنتر ساختن کارهایشان باشد... پس دین مقدس اسلام جز برای پرداختن بدین امور نیامده است و طبیعی است که [مؤمنان](#) باید با همه توان و قدرت خویش به آن پرداخته، آن را واجب بدانند.

[۸۲] سید محسن حکیم، سنوالت الجمر، ص ۴۴.

[۸۳] عباس عبیری، مرزبان حوزه نور، (از مجموعه دیدار با ابرار)، ص ۴۷.

آیت‌الله حکیم پس از سالها رهبری امت اسلامی در سال ۱۳۴۸ ش. به دیار باقی شتافت و با پرورش صدقاتن محقق و دانش پژوه در حوزه درس خویش پرچم علم را در نجف افراشته نگاه داشت.

آیت‌الله خوبی از دیگر مراجعی است که در حوزه علمیه نجف مرجعیت شیعه را بر عهده داشت. رهبر معظم انقلاب حضرت [آیت‌الله خامنه‌ای](#) (مدظله العالی) در خصوص مکتب فقهی و اصول [آیت‌الله خوبی](#) می‌فرماید:

یکی از عواملی که مرحوم آیت‌الله العظمی آقای خوبی را در کار گسترش علم فقه و اصول موفق کرد این بود که در سهای ایشان به شکل منظمی نوشته می‌شد و سبک درس ایشان خیلی منظم و مرتب بود. ما در سال ۱۳۳۶ ه. ش. که حوزه درس ایشان را درک کردیم، دیدم که کسی در درس ایشان اصلاً اشکال نمی‌کرد. ایشان درس را می‌گفتند و کسانی آن را می‌نوشتند و بحث می‌کردند و بعد هم منتشر می‌شد.

[۸۵] گروهی از نویسندگان، یادنامه حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوبی، ص ۷۵.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خوبی در قیام شیعیان عراق در [رمضان](#) ۱۴۱۲ ه. ق. نیز ایفای نقش نمود تا اینکه از سوی صدام به [کوفه](#) تبعید گردید. ایشان پس از سالها تدریس در حوزه علمیه نجف در سال ۱۴۱۳ ه. ق. از دنیا رفت.

پس از رحلت حضرت آیت‌الله خوبی اصحاب جلسه فتوای ایشان که از بزرگان حوزه نجف می‌باشند با تدریس و تحقیق در مباحث اصولی و فقهی و دیگر علوم اسلامی حیات علمی فرهنگی شیعه در آن سرزمین مقدس را تداوم بخشیدند که حضرات [آیت سید عبدالاعلی سبزواری](#) (رحمة‌الله‌علیه) و [سید علی سیستانی](#) از آن جمله‌اند.

حوزه فلسفی نجف

ایران از عصر [ابن سینا](#) تا [خواجه نصیرالدین طوسی](#) مرکز نقل فلسفه اسلامی بوده است به گونه‌ای که شاید بتوان گفت هر طالب علوم عقلی می‌بایست در حوزه‌های فلسفی ایران به تحصیل می‌پرداخت. این کانون علوم عقلی تا زمان هجرت خواجه به بغداد ادامه داشت. پس از رحلت خواجه نصیرالدین طوسی در حوزه‌های علمیه عراق شخصیت برجسته فلسفی دیده نشد تا اینکه آخوند ملا حسینقلی همدانی که از حوزه درسی ملامه‌ای سبزواری بهره برده بود به عتبات مهاجرت نمود و در [حوزه کربلا](#) و نجف به تحصیل و تکمیل علوم نقلی پرداخت. آن‌گاه به تربیت شاگردان همت گمارد.

پس از پیدایی مکتب [صدر المتالهین](#) فلسفه با عرفان و کلام اسلامی در آمیخت و روش جدیدی در علوم نقلی و فلسفی به وجود آمد. آخوند ملاحسینقلی همدانی نیز که یکی از پیروان این مکتب بود شاگردان خویش را با فلسفه صدرایی و سیر و سلوک معنوی آشنا نمود.

ناگفته نماند که «میرزا حسن» فرزند «آخوند ملا محمد اسماعیل واحداالعین اصفهانی» نیز مدتی در کربلا حضور یافت و به تدریس فلسفه پرداخت.

[۸۶] منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمتالهین، ص ۳۶.

لیکن عمده شاگردان خویش را با فلسفه صدرایی و سیر و سلوک معنوی آشنا نمود.

«آقا میرزا محمدباقر [اصطهباناتی](#)» از دیگر شخصیت‌های فلسفی است که از حوزه درس «آقا علی حکیم» «حکیم قمشه‌ای» و «میرزای جلوه» در ایران بهره برده و جهت تکمیل علوم نقلی به نجف مهاجرت کرده بود. مدتی که وی در نجف اقامت داشت، شاگردانی چون «آیت الله [شیخ محمدرضا غروی اصفهانی](#)» و «[شیخ محمد رضا یزدی](#)» را با فلسفه الهی آشنا کرد. آقا میرزا محمدباقر در جریان مشروطیت در سال ۱۳۲۶ در اصطهباناتت به قتل رسید.

[۸۷] مرتضی مطهری، [ختمت مقابل اسلام و ایران](#)، ص ۶۱۱.

از دیگر اساتید فلسفه نجف اشرف در این دوره «آقا شیخ علی محمد نجف آبادی» است که از اساتید [شرح منظومه](#) آیت‌الله غروی و «[شیخ محمد حسین کاشف الغطاء](#)» محسوب می‌شد.

[۸۸] منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمتالهین، ص ۱۰۳.

همچنین مهاجرت «آقا [سید حسین بادکوبه‌ای](#)» به نجف از دیگر علل نشر فلسفه در این حوزه مبارکه است. وی که از میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی فلسفه آموخته بود، این علم شریف را در نجف اشرف گسترش داد و با تربیت شاگردی چون حکیم الهی استاد علامه [سید محمد حسین طباطبایی](#) (قدس سره) نام خویش را جاودانه ساخت.

[۸۹] منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمتالهین، ص ۷۲، حوزه علمیه قم.

ناگفته نماند که «[شیخ مرتضی طالقانی](#)» از دیگر حکمای الهی نجف و معاصر «آقا [سید حسین بادکوبه‌ای](#)» است که شاگردی چون استاد علامه [محمد تقی جعفری](#) را به جهان علم تقدیم داشته است.

[۹۰] منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمتالهین، ص ۶۵، حوزه علمیه تهران.

[۹۱] منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمتالهین، ص ۹۲، حوزه علمیه تهران.

مدارسی که در حوزه نجف دایر است عبارتند از:

۱. مدرسه علوم اسلامی
۲. مدرسه دینی خواهران
۳. مدرسه عملی‌ها
۴. مدرسه سید محمد کاظم یزدی
۵. مدرسه مجدد شیرازی
۶. مدرسه شیخ انصاری
۷. مدرسه‌های آیت‌الله بروجردی
۸. مدرسه شوشتری
۹. مدرسه هندی
۱۰. مدرسه متوسط آخوند خراسانی
۱۱. مدرسه بزرگ خلیلی
۱۲. مدرسه قزوینی
۱۳. مدرسه قوام
۱۴. مدرسه بادکوبه‌ای
۱۵. مدارس آیت‌الله سید عبدالله شیرازی
۱۶. مدرسه جامعه النجف
۱۷. مدرسه مقدار سیوری - سلیمیه
۱۸. مدرسه شیخ عبدالله
۱۹. مدرسه صحن شریف - غرویه
۲۰. مدرسه صحن شریف بزرگ
۲۱. مدرسه صدر
۲۲. مدرسه معتمد، کاشف الغطا
۲۳. مدرسه مهدیه
۲۴. مدرسه ابروانی
۲۵. مدرسه بخاری
۲۶. مدرسه شریانی
۲۷. مدرسه بزرگ خراسانی
۲۸. مدرسه کوچک خلیلی
۲۹. مدرسه کوچک آخوند خراسانی
۳۰. مدرسه بزرگ بروجردی
۳۱. مدرسه طاهریه
۳۲. مدرسه کوچک بروجردی
۳۳. مدرسه جوهرچی
۳۴. مدرسه رحبوی
۳۵. مدرسه عبدالعزیز بغدادی
۳۶. مدرسه افغانی‌ها
۳۷. مدرسه یزدی
۳۸. مدرسه حکیم
۳۹. مدرسه کلباسی

[۹۲] العراق بین الماضي والحاضر والمستقبل و موسوعه العتبت المقدسه، ج ۷، ص ۳۳۸.

احیاء و بازسازی حوزه نجف

احیاء حوزه نجف

[۹۳] سید حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، حوزه نجف، داشته‌ها و بایسته‌ها، فصلنامه پژوهش و حوزه - ش ۱۶ زمستان ۸۲، به نقل از شبکه اطلاع رسانی شارح. ، قصه دلکش دیگری است که ذهن بسیاری از ژرف‌بینان را به خود مشغول داشته است. بی‌شک، هر علاقه‌مند به تمدن و فرهنگ اسلامی از فتور و فترت ایجاد شده در این دانشگاه بزرگ عالم تشییع سخت متأسف است و تفکر بازسازی آن، شوق درونی او است؛ خاصه آن که اسباب و علل آن فراهم شده است. ما نیز همگام و همسخن با این دانش دوستان، به این بازسازی و احیاء، سخت باور داریم؛ اما بر این گمانیم که خطرهای جدی‌ای در کمین است و ناگاهی یا غفلت از آن‌ها خود خطر دیگری است. از این‌رو، باید به هوش بود و از سرفطانت به تحلیل و سنجش مسئله پرداخت و لایه‌های بیرونی و درونی چنین کاری را در کنار هم نگریست و از بافت‌های روئین به نفع لایه‌های درونی دست نکشید و بنیادهای زیرین را به نفع لایه‌های سطحی و بیرونی به کناری نینداخت. به این منظور لازم است مطالعاتی ضروری در سه سطح انجام گردد:

۱. مطالعه وضعیت آموزشی حوزه نجف در طول دوران طلایی؛ چرا که زمینه‌سازی و تمهید دانش‌پژوهان علوم اسلامی در این سطح انجام می‌گرفت و اساتید برجسته و محققان ارزنده از این جایگاه هدایت می‌شده‌اند.
۲. جایگاه‌شناسی پژوهشی در حوزه نجف که تبلور و تجلی آخرین دستاوردهای آن حوزه و زمینه‌ساز نظریه‌پردازی‌های کلان در علوم اسلامی به شمار می‌رفت.
۳. مطالعه در موجودیت کلان آموزشی و پژوهشی حوزه نجف در تعامل با فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن روز دنیای اسلام؛ بی‌شک این مطالعه، سرنخ‌هایی را در چگونگی پیدایی تمدن عظیم شیعی و حفظ آن تمدن ارزنده در طول قرون، به دست خواهد داد.

← ابزارهای لازم

نیازها و ابزار لازم برای این حرکت سه لایه‌ای که در نهایت منجر به پیش‌صیح جهت اصلاح، بازسازی و احیاء دانشگاه عظیم اسلامی نجف اشرف خواهد شد، بسیارند که پاره‌ای از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. تسلط بر تمامی جریان‌های روشنفکری و اصلاح‌گرایانه در حوزه علمیه نجف در طول دوران شکوفایی این حوزه و به ویژه در دوره متأخر. این کار، خود نیازمند ابزار ذیل است: الف. آشنایی با جریان‌های اصلاح ساختاری در حوزه علمیه، همچون: حرکت‌های اصلاحی که منجر به تأسیس (جامعه النجف الاشرف)، (دار الحکمة) و مهاجرت پاره‌ای از علمای نجف

به کربلا و راهاندازی حوزه‌های نوین در آن شهر شد.

ب. آشنایی با جریانات اصلاح محتوایی در علوم اسلامی که محققانی همچون: علامه **محمد جواد مغنیه**، **شیخ بلاغی**، **آیت الله میلانی**، شهید **سید محمد باقر صدر**، **شیخ محمد رضا مظفر** و دیگران در صدر آن بودند.

ج. نهضت اصلاح کتب آموزشی که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار **شیخ محمد رضا مظفر**، **سید محمد باقر صدر**، **عبدالهادی الفضلی** و دیگران دید.

د. آشنایی با مدارس علمیه نجف و فعالیت‌های آن‌ها.

۲. آشنایی کامل با تشکلهای سیاسی - فرهنگی که در آن حوزه پیدا شد؛ همچون: تشکل (جماعه‌العلماء).

۳. انجمن‌های ادبی در نجف اشرف که بیشتر اعضای آن از فضلا و محققان شاعر و ادیب حوزه علمیه بوده‌اند.

۴. توصیف و تحلیل آخرین وضعیت علمی حوزه علمیه نجف در آخرین دوره و نسل این حوزه.

۵. در دست داشتن امار دقیق آخرین اطلاعات علمی - پژوهشی و محققان آن حوزه.

۶. تبیین و سنجش وضعیت اخلاقی حاکم بر حوزه علمیه نجف اشرف.

۷. آگاهی از وضعیت معاشی و سیستم اقتصادی حوزه علمیه نجف.

۸. آشنایی با بافت اجتماعی حوزه نجف.

آنچه ذکر شد، تنها بخشی از نیازهای لازم و ابزار مورد نیاز جهت ارائه طرحی جامع به شمار می‌رود که ناظر به همه سطوح و لایه‌ها است. در کنار این، باید به تعامل دو حوزه قم و نجف نیز توجه کرد. اکنون که **حوزه علمیه قم** - به برکت فضای آرام موجود - به گسترش کمی و رشد کیفی نسبتاً قابل قبولی دست یافته است، لازم است که از دستاوردها، تجربه‌ها و بالاخره کامیابی‌ها و ناکامی‌های آن در احیا و تجدید ساختار حوزه نجف بهره برده شود تا همسویی و همفکری این دو حوزه به کمال برسد.

فهرست منابع

(۱) آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة.

(۲) ابن شهر آشوب، کتب معالم العلماء، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۵۳.

(۳) ابن شهید ثانی، معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین، قسمت اصول فقه معروف به معالم‌الاصول، چاپ مهدی محقق، تهران ۱۳۶۲ ش.

(۴) ابن طووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، قم: منشورات الرضی، (بی‌تا).

(۶) محمدامین بن محمدشیراز استرآبادی، الفوائدالمدنیة، چاپ رحمة‌الله رحمتی اراکی، قم ۱۴۲۹.

(۷) زهیر اعرجی، «المدارس الاصولیة فی النجف»، در موسوعة النجف الاشرف، جمع بحوثها جعفر دنلی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

(۱۰) محمد حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵.

(۱۱) محمد بن حسن حرّ عاملی، امل‌الامل، چاپ احمد حسینی، بغداد (۱۳۸۵)، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش.

(۱۳) خویی، معجم رجال‌الحديث.

(۱۴) خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۰.

(۱۵) زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الرعیة فی علم‌الدراية، چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.

(۱۶) حسن صدر، تکملة امل‌الامل، چاپ حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.

(۱۷) محمدباقر صدر، المعالم‌الجديدة للاصول، نجف (۱۳۸۵)، چاپ افست تهران ۱۳۹۵/۱۹۷۵.

(۱۸) حسن طارمی‌راد، تاریخ فقه و فقهها، (تهران) ۱۳۷۵ ش.

(۱۹) محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه‌الامامية، چاپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.

(۲۱) محمدجواد فقیه، «الدور الثاني للجامعة النجفیة»، در موسوعة النجف الاشرف.

(۲۲) ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقهها، تهران ۱۳۷۵ ش.

(۲۳) محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی‌المقال فی احوال‌الرجال، قم ۱۴۱۶.

(۲۴) محمدرضا شمس‌الدین، بهجة‌الرابعین، چاپ رضا محمد حنرج، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴.

(۲۵) مصطفی جواد، «نظرات فی الذریعة الی تصانیف الشیعة»، البین، سال ۱، ش ۵ (شوال ۱۳۶۵).

(۲۶) علی بن عبیدالله منتجب‌الدین رازی، الفهرست، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش.

(۲۷) موسوعة طبقات‌الفقهاء، اشرف جعفر سبحانی، قم: مؤسسة الامام الصادق، ۱۴۱۸-۱۴۲۴.

(۲۸) محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۰.

(۲۹) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعة المشتهر ب رجال‌النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

(۳۰) احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام‌الشریعة، قم ۱۴۱۵.

(۳۱) محمد مهدی آصفی، «مدرسة النجف و تطور الحركة الاصلاحية فيها»، در موسوعة النجف الاشرف، جمع بحوثها جعفر نجلی، بیروت: «دارالاضواء»، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

(۳۳) جعفر بن باقر آل محبوبه، ماضی‌النجف و حاضرها، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.

(۳۴) احمد مجید عیسی، الدراسة فی النجف، البین، سال ۲، ش ۲۷، ۲۸ (نقیحده ۱۳۶۶).

(۳۵) اسحاق نقاش، شیعة‌العراق، (قم) ۱۳۷۷ ش.

(۳۶) حسن اسدی، ثورة‌النجف علی الانگلیز، او، الشرارة الاولى لثورة العشرين، بغداد ۱۹۷۵.

(۳۷) اعلام‌المعقول فی مدرسة النجف، در موسوعة‌النجف الاشرف، بغداد ۱۹۷۵.

(۳۹) محسن امین و علی شرقی و فاضل جمالی، «کلمات قصیرة حول اسلوب‌الدراسة فی النجف و نظام‌الحلقات»، در موسوعة‌النجف الاشرف، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۵/۱۹۹۵.

(۴۰) اوراق تاز هیلب مشروطیت مربوط به سالهای ۱۳۲۵-۱۳۳۰ قمری، چاپ ایرج افشار، تهران: جاویدان، ۱۳۵۹ ش.

(۴۱) محمد بحر العلوم، «الجامعة العلمية فی النجف عبر ایامها الطويلة»، الموسوم، ش ۱۸ (۱۴۱۴).

(۴۲) محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاریخها فی النجف»، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

(۴۳) بحوث شاملة حول اسلوب‌الدراسة فی النجف و نظام‌الحلقات، (از) محمدتقی فقیه و دیگران، در موسوعة النجف الاشرف، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

(۴۴) علی بهادلی، الحوزة العلمية فی النجف: معالمها و حركتها الاصلاحية، ۱۳۳۹-۱۴۰۱ هـ/۱۹۲۰-۱۹۸۰م، بیروت ۱۴۱۳/۱۹۹۳.

(۴۵) کامل سلمان جبوری، النجف الاشرف و حركة‌الجهاد: عام ۱۳۳۲-۱۳۳۳ هـ/۱۹۱۴م، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۲.

(۴۶) رسول جعفریان، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران ۱۳۸۶ ش.

(۴۷) فاضل جمالی، «جماعة‌النجف‌الدينية»، نقله الی العربية جودت قزوینی، الموسوم، ش ۱۸ (۱۴۱۴).

(۴۸) عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران ۱۳۶۴ ش.

(۵۰) محمدحسین حرزالدین، تاریخ‌النجف الاشرف، هذب و زاد علیه عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، قم ۱۳۸۵ ش.

(۵۱) محمد حسینی شیرازی، تلك الايام: صفحات من تاریخ‌العراق‌السیاسی، بیروت ۱۴۲۰/۲۰۰۰.

(۵۲) فضل‌الله بن عبدالنّبی خاوری شیرازی، تاریخ‌ذوالقرنین، چاپ ناصر افشارفر، تهران ۱۳۸۰ ش.

(۵۳) محمد خلیل الزین، «ذکر باتی عن النجف الاشرف»، افاق نجفیة، سال ۲، ش ۵ (۱۴۲۸).

(۵۴) جعفر خلیلی، «مکتب‌النجف‌القدیمة و الحدیثة»، در موسوعة العتبات المقدسة.

(۵۵) محمد خلیلی، «مدارس‌النجف‌القدیمة و الحدیثة»، در موسوعة النجف الاشرف.

(۵۶) عبدالجبار رفاعی، «تطور‌الدرس‌الفرسفی فی النجف الاشرف»، در موسوعة النجف الاشرف.

(۵۷) عبدالحلم رهیمی، تاریخ‌الحركة‌الاسلامیة فی العراق: الجذور‌الفکریة و الواقع‌التاریخی (۱۹۰۰-۱۹۲۴)، بیروت ۱۹۸۵.

- (۵۸) محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، چپ منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران ۱۳۶۲ ش.
- (۵۹) هبه‌الدین شهرستانی، «فاجعة حضره آية الله الخراساني»، العلم، ش ۷ (محرم ۱۳۳۰).
- (۶۰) صادق صادق، خطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، چپ ایرج افشار، تهران ۱۳۶۱-۱۳۷۴ ش.
- (۶۱) محمد صادقی تهرانی، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علمای مجاهد اسلام، قم: دارالفکر، (بی‌تا).
- (۶۲) محکاظم طریحی، النجف الاشراف: مدينة العلم و العمران، بیروت ۱۴۲۳/۲۰۰۲.
- (۶۳) حسن علوی، الشيعة و الدولة القومية في العراق: ۱۹۱۴-۱۹۹۰، قم: دارالتقافة للطباعة و النشر، (بی‌تا).
- (۶۴) محمد غروی، الحوزة العلمية في النجف الاشراف، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
- (۶۵) محسن قاضی، «صفحت مطوية من تاريخ الحركات الاصلاحية في النجف الاشراف»، در موسوعة النجف الاشراف.
- (۶۶) احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران ۱۳۶۳ ش.
- (۶۷) احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران ۱۳۵۵ ش.
- (۶۸) عبدالحسین مجید کفانی، مرگی در نور: زندگانی آخوند خراسانی، تهران ۱۳۵۹ ش.
- (۶۹) مدرسه الجزائری: مدرسة النجف الدينية، در موسوعة النجف الاشراف.
- (۷۰) محسن مرتضوی لنگرودی، «صاحبه با حضرت آية الله حاج سيد محمدحسن مرتضوی لنگرودی»، حوزة، سال ۱۰، ش ۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲).
- (۷۱) مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست: اسناد و گزارش‌هایی از آیت عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی، ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی، به کوشش محسن منظور الاجداد، تهران: شیرازه، ۱۳۷۹ ش.
- (۷۲) عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، با، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران ۱۳۷۱ ش.
- (۷۳) عبدالرزاق بن نجفقی مفتون دنلی، مآثر سلطانیه: تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس، چپ غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران ۱۳۸۳ ش.
- (۷۴) عدی مفرجی، النجف الاشراف و حركة التيار الاصلاحی: ۱۹۰۸-۱۹۳۲ م، بیروت ۱۴۲۶/۲۰۰۵.
- (۷۵) مقدم عبدالحسن فیاض، تاریخ النجف السیاسی: ۱۹۴۱-۱۹۵۸، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۲.
- (۷۶) مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران ۱۳۷۱ ش.
- (۷۷) محمد ملکی، آشنایی با متون درسی حوزهای علمیه ایران: شیعه، حنفی، شافعی، قم ۱۳۷۶ ش.
- (۷۹) محسن نجفی قوچانی، سیاحت شرق، با، زندگی‌نامه آقاجانی قوچانی، چپ رضاعتلی شاکری، تهران ۱۳۶۲ ش

پانویس

۱. [↑](#) استاد جعفر سبحانی، دور الشيعة في بناء الحضارة الاسلامية، ص ۱۲۸-۱۲۷.
۲. [↑](#) احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، رقم ۱۶۲.
۳. [↑](#) محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاريخها في النجف»، ج ۱، ص ۱۱، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
۴. [↑](#) محمد رضا شمس‌الدین، بهجة الراغبین، ج ۱، ص ۶۸۶۷، چپ رضا محمد حرج، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
۵. [↑](#) ابن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳، قم: منشورات الرضی، (بی‌تا).
۶. [↑](#) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتبه ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۴۰، چپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۷. [↑](#) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتبه ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۶۸، چپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۸. [↑](#) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتبه ب رجال النجاشی، ج ۱، ص ۷۲، چپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.
۹. [↑](#) سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۳۷.
۱۰. [↑](#) ابن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام فی النجف، ج ۱، ص ۱۴۸، قم: منشورات الرضی، (بی‌تا).
۱۱. [↑](#) محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاريخها في النجف»، ج ۱، ص ۱۳-۱۴، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
۱۲. [↑](#) محمد غروی، الحوزة العلمية في النجف الاشراف، ج ۱، ص ۳۰-۱۹، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
۱۳. [↑](#) مصطفی جواد، «نظرات في الذريعة الى تصانيف الشيعة»، ج ۱، ص ۱۳۳، البیان، سال ۱، ش ۵ (شوال ۱۳۶۵).
۱۴. [↑](#) محمد بن حسن طوسی، الميسوط في فقه الامامية، ج ۱، ص ۱۳، چپ محمدتقی کشفی، تهران ۱۳۸۷.
۱۵. [↑](#) زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الرعاية في علم الدراية، ج ۱، ص ۹۳، چپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.
۱۶. [↑](#) ابن شهید ثانی، معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین، ج ۱، ص ۱۷۶، قسمت اصول فقه معروف به معالم‌الاصول، چپ مهدی محقق، تهران ۱۳۶۲ ش.
۱۷. [↑](#) محمدباقر صدر، المعالم الجديدة للاصول، ج ۱، ص ۶۳، نجف (۱۳۸۵)، چپ افست تهران ۱۳۹۵/۱۹۷۵.
۱۸. [↑](#) علی بن عیبدالله منتجب‌الدین رازی، الفهرست، ج ۱، ص ۴۶، چپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش.
۱۹. [↑](#) ابن شهر آشوب، کتاب معالم العلماء، ج ۱، ص ۳۲۴، چپ عیلس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۵۳.
۲۰. [↑](#) محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاريخها في النجف»، ج ۱، ص ۴۵۴۴، در موسوعة العتبات المقدسة، تألیف جعفر خلیلی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
۲۱. [↑](#) علی بن عیبدالله منتجب‌الدین رازی، الفهرست، ج ۱، ص ۴۳، چپ جلال‌الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش.
۲۲. [↑](#) محمد بن حسن حرّ عاملی، امل‌الامل، ج ۱، ص ۲۵۵، چپ احمد حسینی، بغداد (۱۳۸۵)، چپ افست قم ۱۳۶۲ ش.
۲۳. [↑](#) آقا بزرگ طهرانی، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۲، ص ۵۰۹.
۲۴. [↑](#) خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۳۳۰، بیروت ۱۹۸۰.
۲۵. [↑](#) آقا بزرگ طهرانی، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ۴، ص ۴۶۳.
۲۶. [↑](#) احمد مجید عیسی، الدراسة في النجف، ج ۱، ص ۷۳۲، البیان، سال ۲، ش ۲۷، ۲۸ (ذیقعد ۱۳۶۶).
۲۷. [↑](#) محمدجواد فقیه، «الدور الثاني للجامعة النجفية»، ج ۱، ص ۱۲۵، در موسوعة النجف الاشراف.
۲۸. [↑](#) حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۹۸، چپ حسین علی محفوظ عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.
۲۹. [↑](#) حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۳۲۱، چپ حسین علی محفوظ عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.
۳۰. [↑](#) حسن صدر، تکملة امل‌الامل، ج ۱، ص ۹۴-۹۳، چپ حسین علی محفوظ عبدالکریم دباغ، و عدنان دباغ، بیروت ۱۴۲۹/۲۰۰۸.
۳۱. [↑](#) محمد بن علی موسوی علملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱، مقدمه جواد شهرستانی، ص ۳۰-۳۱، قم ۱۴۱۰.
۳۲. [↑](#) زهیر اعرجی، «المدارس الاصولية في النجف»، ج ۱، ص ۲۳۴، در موسوعة النجف الاشراف، جمع بحثها جعفر دنلی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.
۳۳. [↑](#) سید محسن امین، اعیان الشيعة، ج ۱، ص ۱۱۵.
۳۴. [↑](#) زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الرعاية في علم الدراية، چپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸.

٣٥. ↑ آقابزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٤، ص ٦٥.
٣٦. ↑ محمدجواد فقيه، «الدور الثاني للجامعة النجفية»، ج ١، ص ١٢٧، در موسوعة النجف الاشرف.
٣٧. ↑ آقابزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٦، ص ١٧٥.
٣٨. ↑ محمدامين بن محمدشريف استرآبادي، الفوائد المدنية، ج ١، ص ٣٧، چاپ رحمة الله رحمتي اراكي، قم ١٤٢٩.
٣٩. ↑ محمدامين بن محمدشريف استرآبادي، الفوائد المدنية، ج ١، ص ٧٨، چاپ رحمة الله رحمتي اراكي، قم ١٤٢٩.
٤٠. ↑ محمدامين بن محمدشريف استرآبادي، الفوائد المدنية، ج ١، ص ٩٦، چاپ رحمة الله رحمتي اراكي، قم ١٤٢٩.
٤١. ↑ حسن طارميراد، تاريخ فقه و فقهاء، ج ٢، ص ٩٦-١١٠، (تهران) ١٣٧٥ ش.
٤٢. ↑ محمدجواد فقيه، «الدور الثاني للجامعة النجفية»، ج ١، ص ١٢٨، در موسوعة النجف الاشرف.
٤٣. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٨، ص ٣٩٤.
٤٤. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٩، ص ١٤٢١٤٣.
٤٥. ↑ احمد مجيد عيسى، الدراسة في النجف، ج ١، ص ٧٣٢، البيان، سال ٢، ش ٢٧، ٢٨ (ذيقده ١٣٦٦).
٤٦. ↑ محمدجواد فقيه، «الدور الثاني للجامعة النجفية»، ج ١، ص ١٣٤، در موسوعة النجف الاشرف.
٤٧. ↑ محمد بن اسماعيل مازندراني حائري، منتهى المقال في احوال الرجال، ج ٦، ص ١٧٨، قم ١٤١٦.
٤٨. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ١٠، ص ١٥٨١٤٣.
٤٩. ↑ ابوالقاسم كرجي، تاريخ فقه و فقهاء، ج ١، ص ٢٣٥٢٣٤، تهران ١٣٧٥ ش.
٥٠. ↑ محمد بحر العلوم، «الدراسة و تاريخها في النجف»، ج ١، ص ٨٠، در موسوعة العتبت المقدسة، تأليف جعفر خليلي، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٩٨٧/١٤٠٧.
٥١. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٤، ص ١٠٤.
٥٢. ↑ محمدحسين حرز الدين، تاريخ النجف الاشرف، ج ٢، ص ٤٠٢، هذب و زاد عليه عبدالرزاق محمدحسين حرز الدين، قم ١٣٨٥ ش.
٥٣. ↑ اشرف جعفر سبحاني، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٤، قسم ٢، ص ٧٨٩، قم: مؤسسة الامام الصادق، ١٤١٨١٤٢٤.
٥٤. ↑ آقابزرگ طهراني، مجلدات الكرام البررة و نقباء البشر، الذريعة الى تصانيف الشيعة.
٥٥. ↑ اشرف جعفر سبحاني، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٣، قم: مؤسسة الامام الصادق، ١٤١٨-١٤٢٤.
٥٦. ↑ اشرف جعفر سبحاني، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٤، قم: مؤسسة الامام الصادق، ١٤١٨١٤٢٤.
٥٧. ↑ احمد بن محمد مهدي نراقي، مستند الشيعة في احكام الشريعة، ج ١، ص ١١١٨، قم ١٤١٥.
٥٨. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٩، ص ١٤٩.
٥٩. ↑ آقابزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٦، ص ١٥٢-١٦٢.
٦٠. ↑ محمدحسن نجفي قوجاني، سيلحت شرق، ج ١، ص ٥٢٥، ياه زنگي نامه آقانجفي قوجاني، چاپ رضوانعلي شاکري، تهران ١٣٦٢ ش.
٦١. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٩، ص ١٩٣.
٦٢. ↑ عبدالجبار رفاعي، «تطور الدرس الفلسفي في النجف الاشرف»، ج ١، ص ٣٩، در موسوعة النجف الاشرف.
٦٣. ↑ عبدالرزاق محمدحسين حرز الدين، تاريخ النجف الاشرف، هذب و زاد عليه قم ١٣٨٥ ش.
٦٤. ↑ احمد نراقي، مستند الشيعة في احكام الشريعة، قم ١٤١٥.
٦٥. ↑ عبدالجبار رفاعي، «تطور الدرس الفلسفي في النجف الاشرف»، ج ١، ص ٤٢، در موسوعة النجف الاشرف.
٦٦. ↑ عبدالجبار رفاعي، «تطور الدرس الفلسفي في النجف الاشرف»، ج ١، ص ٤١-٤٢، در موسوعة النجف الاشرف.
٦٧. ↑ آقابزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج ٢، ص ٤٤٧.
٦٨. ↑ اعلام المعقول في مدرسة النجف، در موسوعة النجف الاشرف، ج ١، ص ٨٣، بغداد ١٩٧٥.
٦٩. ↑ اعلام المعقول في مدرسة النجف، در موسوعة النجف الاشرف، ج ١، ص ٨٣، بغداد ١٩٧٥.
٧٠. ↑ اشرف جعفر سبحاني، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٤، قسم ١، ص ١٧٠، قم: مؤسسة الامام الصادق، ١٤١٨-١٤٢٤.
٧١. ↑ سيدمحسن امين، أعين الشيعة، ج ٤، ص ١٠٤.
٧٢. ↑ محمدحسين حرز الدين، تاريخ النجف الاشرف، ج ٢، ص ٣٨٧، هذب و زاد عليه عبدالرزاق محمدحسين حرز الدين، قم ١٣٨٥ ش.
٧٣. ↑ جعفر بن باقر آل محبوبه، ماضي النجف و حاضرها، ج ١، ص ١٦٣-١٦٤، بيروت ١٩٨٦/١٤٠٦.
٧٤. ↑ جعفر خليلي، «مكتبات النجف القديمة و الحديثة»، ج ١، ص ٢٤٣-٢٤٤، در موسوعة العتبت المقدسة.
٧٥. ↑ جعفر خليلي، «مكتبات النجف القديمة و الحديثة»، ج ١، ص ٢٥٢-٢٥٥، در موسوعة العتبت المقدسة.
٧٦. ↑ ميرزا عباس فيض، تاريخ كاظمين، ص ٨٩-٩٠.
٧٧. ↑ علي دواني، هزاره شيخ طوسي، ص ٦٣.
٧٨. ↑ جعفر خليلي، موسوعه العتبت المقدسه - قسم النجف، ج ٢، ص ٤٥.
٧٩. ↑ جعفر خليلي، موسوعه العتبت المقدسه - قسم النجف، ج ٧، ص ٥٣.
٨٠. ↑ فاضل مقداد، كنز العرفان، مقدمه، ص ٨٩.
٨١. ↑ عباس قمي، الكنى و الالقاب، ج ٢، ص ٣٥٨٣٥٧.
٨٢. ↑ مرتضى مطهرى، آشنايي با علوم اسلامي، ج ٣، ص ٩٩.
٨٣. ↑ سيد محسن حكيم، سنوات الجمر، ص ٤٤.
٨٤. ↑ عباس عبيري، مرزبان حوزه نور، (از مجموعه ديدار با ابرار)، ص ٤٧.
٨٥. ↑ گروهی از نویسندگان، يادنامه حضرت آيت الله العظمى حاج سيد ابوالقاسم خويي، ص ٧٥.
٨٦. ↑ منوچهر صدوقی سها، تاريخ حكما و عرفاء متلخرين صدر المتالهيين، ص ٣٦.
٨٧. ↑ مرتضى مطهرى، خدمت متقابل اسلام و ايران، ص ٦١١.
٨٨. ↑ منوچهر صدوقی سها، تاريخ حكما و عرفاء متلخرين صدر المتالهيين، ص ١٠٣.
٨٩. ↑ منوچهر صدوقی سها، تاريخ حكما و عرفاء متلخرين صدر المتالهيين، ص ٧٢، حوزه علميه قم.
٩٠. ↑ منوچهر صدوقی سها، تاريخ حكما و عرفاء متلخرين صدر المتالهيين، ص ٦٥، حوزه علميه تهران.
٩١. ↑ منوچهر صدوقی سها، تاريخ حكما و عرفاء متلخرين صدر المتالهيين، ص ٩٢، حوزه علميه تهران.
٩٢. ↑ العراق بين الماضي و الحاضر و المستقبل و موسوعه العتبت المقدسه، ج ٧، ص ٣٣٨.

منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حوزه علمیه نجف»، شماره ۶۶۳۸.](#)
[سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «حوزه علمیه نجف اشرف»، تاریخ بازبایی ۹۷/۱۱/۲۹.](#)
[پایگاه حوزه نت](#)

رده‌های این صفحه: [تاریخ حوزه‌های علمیه عراق](#) | [حوزه علمیه نجف](#) | [حوزه‌های علمیه](#) | [فرهنگ و اجتماع](#) | [مراکز فرهنگی](#) | [نجف](#)